

دیدگاه زنان
در مورد صلح،
امنیت و
نظامی شدن کمک ها



WOMEN'S REGIONAL NETWORK
AFGHANISTAN • PAKISTAN • INDIA

ابراز قدردانی:

مردان و زنان زیادی وجود دارند که افکار و نظریات خود را با اعضای شبکه به منظور بهتر ساختن آینده افغانستان با همه ی افغانها شریک ساخته اند.

بدون حمایت فعال، علاقمندی و همکاری زنانی که با وصف چالش های بزرگ حکایات و قصه های شان را بیان داشته اند، امکان نداشت تا دیگر هیچ قصه و یا حکایتی را در این گزارش به نشر رساند.

ما از زنان دلیر افغان که با وجود چالش های عظیم به مبادرت شان ادامه میدهند، ابراز تشکر مینماییم.

ما همچنان می‌خواهیم از همکاری مؤسسهٔ برابری برای صلح و دموکراسی که در این زمان حساس جهت بازتاب دهی صدای زنانی که هیچگاهی شنیده نشده است، ابراز امتنان نماییم.

منابع: دیزاین توسط کرسستین انکرس، سترین اسکای دیزاین

دیدگاه زنان در مورد صلح امنیت و نظامی شدن کمک ها

شبکه ی منطقوی زنان – WRN – 2013



صعود به بالا، کابل
منبع عکس: بیت والد

فهرست محتویات

۱- خلاصه ی گزارش.....	6
۲-مقدمه.....	10
۳-پس منظر.....	14
۴-هدف و شیوه کار.....	16
۵-دیدگاه های زنان افغان.....	20
۶-روابط میان امنیت، فساد و نظامی شدن کمک ها.....	20
الف) امنیت از نظر زنان افغان.....	21
ب) فساد از دیدگاه زنان افغان.....	25
ج) نظامی شدن کمک ها از نظر زنان افغان.....	27
۷-یافته های کلیدی.....	31
۸-سفارشات.....	31
۹-نتیجه گیری.....	35
۱۰-ضمایم.....	36



هرات، افغانستان. منبع عكس: بيت والد

خلاصه ی گزارش

زنان افغان در دهه ی گذشته دستاوردهای قابل ملاحظه ی داشته اند: حدود 40٪ شاگردان مکاتب را دختران احتوا نموده و زنان 27٪ شورای ملی و 20٪ شوراهای ولایتی را تشکیل میدهند. زنان در ادارات مختلف دولت به شمول قوه قضاییه و اجراییه ایفای وظیفه نموده و همچنان بحیث ژورنالیست، فعال جامعه ی مدنی و حقوق بشر، وکیل مدافع و متشبثان خصوصی فعالیت مینمایند. این دستاوردها عمدتاً به دلیل طرح و تطبیق قوانین وپالیسی ها به خصوص قانون اساسی افغانستان و با حمایت جامعه ی بین المللی بدست آمده است. تجارب زنان افغان از سال 2001 آنها را توانایی بخشیده تا با جامعه ی جهانی روابط شانرا تحکیم نموده و بسیاری از آنها امروز از حقوق شان آگاهی بیشتر حاصل نموده و در جهت مطالبه ی حقوق شان اکنون بیشتر مصمم اند. اما با در نظر داشت پروسه های جاری صلح و انتقال در افغانستان، بخصوص افزایش صحبتها پیرامون مذاکرات با مخالفان مسلح، زنان افغان در مورد موقف کنونی و آینده و همچنان حفظ دستاوردهای دهه ی اخیر خویش نگران اند.

مستقیم زنان از طریق صحبتهای محلی گویای این حقیقت است .

اعضای شبکه ی منطقوی زنان در افغانستان، در این زمینه یک پروسه ای تحقیقی را در همکاری با مؤسسه برابری برای صلح و دموکراسی (EPD) و به حمایت مالی (Mama Cash)

یک گروهی کوچک زنان از افغانستان، هند و پاکستان در سال 2011 شبکه ی منطقوی زنان (Women Regional Network) را ایجاد نمودند تا مساعی شانرا در رابطه با ابتکارات صلح و امنیت در سطح ملی و منطقوی شریک و هماهنگ نمایند. همه اعضای این شبکه توافق نمودند تا فعالیت هایشان را در کشورهای مربوطه از طریق " صحبت های محلی" در سطح محلات آغاز نمایند. این صحبتها در ولایات مختلف هر یک از کشورهای نامبرده در سطح منطقه انجام یافت. هدف عمده ی این گفتگوها دریافت نظریات زنان در رابطه با سه موضوع (امنیت، فساد، نظامی شدن و مؤثریت کمک ها) بود که شبکه در نشست اولی روی آنها توافق نموده بود .

نتیجه ی صحبتهای محلی دارای دو بخش میباشد: اول یک سلسله گزارشها به سطح هر کشور و بعداً منطقه که در نتیجه ی صحبتهایی که با زنان در عرصه های مختلف سه کشور متذکره در ارتباط با امنیت، فساد، نظامی شدن و مؤثریت کمکها صورت گرفته است. دوم: اعضای شبکه بر اساس گزارشهای فوق الذکر یک سلسله صحبتها را جهت تشویق تعداد هرچه بیشتر زنان انجام خواهند داد تا آنها در پیوند با مسایلی که زندگی روزانه آنها را متاثر میسازد، فکر نموده و ابراز نظر نمایند .

اعضای شبکه ی سه کشور، این پروسه را با در نظر داشت شرایط محلی و کاری تحقق بخشیده اند. این اقدامات به گزارشهای متنوع از هر کشور منتج گردیده که از نظر شرایط و واقعیت های تجربوی هر کشور خیلی ها پر محتوا و غنی میباشد. بازتابدهی صدای زنان یک اولویت مهم تلقی گردیده و نقل قول های

مخففات

AIHRC	کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان
ANA	اردوی ملی افغان
ANP	پولیس ملی افغان
ALP	پولیس محلی افغان
ANSF	نیروهای ملی امنیتی افغان
ARC	حلال احمر افغانی
EPD	مؤسسه برابری برای صلح و دموکراسی
(سازمان غیر حکومتی)	
EVAW	منع خشونت علیه زنان
FGD	مباحث گروهی
GDP	عواید ناخالص داخلی
HPC	شورای عالی صلح
ISAF	نیروی بین المللی امنیتی معاونت
KII	مصاحبه های صاحب نظران
CC	صحبت های محلی
PRT	تیم های بازسازی ولایتی
WRN	شبکه منطقوی زنان

رنگینه حمیدی عضو شبکه ی منطقوی زنان و مسؤول کارگاه دست
دوزی کندهار در حال کمک کردن زنان محلی برای اعاشه آنها
منبع عکس: رنگینه حمیدی، کارمند کارگاه کندهار



میگفتند. آنها معتقد اند که در پهلوی جنگهای
داخلی و بی امنیتی، مردسالاری و رسوم ناپسند
مسؤول تمامی تبعیضات و خشونتها میباشد.

ضمناً پولیس محلی افغان و دیگر گروه های مسلح حکومتی و
ملیشاهای غیر دولتی از مرتکبین عمده ی خشونت جنسی
پنداشته میشوند. زنان در رابطه به نقش و مؤثریت نیروهای ملی
امنیتی افغان و نیروهای خارجی نظریات متفاوت داشتند. وخامت
وضعیت امنیتی بر فرصتهای زندگی زنان و دختران افغان تأثیرات
طولیل المدت به شمول کاهش مشارکت آنها در امور اجتماعی و
دسترسی به خدمات صحتی و تعلیمی را وارد نموده است. ازدیاد
خشونتها و نا امنی به استدلال محافظه کاران کسانیکه آزادی
زنان و مشارکت آنها را در امور اجتماعی محدود ساخته، تقویت
میبخشد. این وضعیت با عدم حاکمیت قانون، فساد گسترده و
فرهنگ معافیت وخیمتر میگردد.

دامنه ای فساد خیلی وسعت یافته و زنان به این باور اند که رابطه
آشکار میان نا امنی و فساد وجود دارد. ضمناً فساد محصول
حکومتداری ضعیف بوده که منتج به عدم اعتماد مردم بالای
حکومت و عدم امیدواری به تغییر مثبت میگردد. نقل قول ها
یکی پی دیگر این مفکوره را تقویت میبخشد که فساد اجباری
بوده و بر علاوه رشوه نقدی، از زنان تقاضای روابط نامشروع
جنسی به قسم رشوه صورت میگردد .

زنان معتقد اند که تمام جوانب شامل منازعه، فساد اداری و
فرهنگ معافیت را جهت افزایش امتیازات خویش در موقعهای
معین استفاده مینمایند. زنان این حقیقت را نیز برجسته ساختند
که قسمت قابل ملاحظه ی کمک های بین المللی که برای

تطبیق نمودند. در مجموع 40 بحث گروهی در هشت ولایت
مورد نظر- دایر گردیده که هر گروه حدود 4-6 شرکت کننده
را مشتمل بود. به عبارت دیگر، در مباحث یاد شده در افغانستان
حدود 160 زن که شامل شاگردان مکاتب و محصلان پوهنتونها،
معلمان، کارمندان امور صحتی، فعالان جامعه ی مدنی، کارمندان
حکومتی و غیره میباشد، سهم گرفتند. یافته های مباحث
گروهی با مصاحبه های فعالان حقوق زن از ولایات مورد نظر
تکمیل گردیدند.

فاصله میان واقعیت های زندگی زنان و تعهدات حکومت
نشاندهنده ی نا امنی، فساد و استفاده از کمک های بین المللی
بحیث ابزار سیاست خارجی که همه نتایج جنگهای دوامدار داخلی
اند، پنداشته میشود .

نگرانی زنان در رابطه با امنیت عمده ترین یافته های این تحقیق
را تشکیل میدهد. به عبارت دیگر، همه زنان شرکت کننده در
صحبت های محلی بخاطر امنیت نگران بودند. ضمناً ناامنی
شاید یکی از عواملی است که تحقق حقوق زنان را متأثر ساخته
و دلیلی عمده ی پسمانی آنها میباشد .

اینکه زنان تاچه حد خود را در امن احساس میکردند بستگی به
این داشت که در کجا زندگی مینمودند. زنان در جنوب کشور خود
را در مقایسه با زنان در شمال کمتر مصوثر احساس نموده و
زنان در مناطق شهری خود را نسبت به دهات بیشتر مصوثر
احساس مینمایند.

در حالیکه خانه آخرین پناهگاه یک زن افغان
میباشد، زنان همچنان از خشونتهای خانواده گی به
شمول ازدواج های اجباری، قتل های ناموسی و حل
منازعات از راه تبادل دختران (بد دادن) سخن

بازسازی و انکشاف افغانستان در نظر گرفته شده از طریق واردات، قراردادیان و دفاتر مشورتی هیچگاهی به افغانستان نمیرسد .

در حالیکه زنان از تمام زحمات و کمکهای جامعه ی بین المللی جهت عرضه ی خدمات ابتدایی برای مردم که بخش از کمپاین "به دست آوردن قلبها و ذهنها" را تشکیل میدهد، قردانی نموده، آنها نیز معتقد اند که نظامی ساختن کمکهای بین المللی فضای حاکمیت قانون و حکومتداری خوب را محدود ساخته و فرصتهای جدید برای فساد و نا امنی را مهیا میسازد .

اکثریت کشورهای کمک کننده ترجیح میدهند تا کمکهای خود را به عوض سازمانهای افغانی از طریق نیروهای نظامی خود در افغانستان به مصرف برسانند. این کار موجب ایجاد دو ساختار موازی که یکی به مراتب کمتر از دیگر پاسخگو میباشد گردیده است. آنچه بیشتر از نظر زنان درد آور است که تسهیلات جدید مانند مکاتب، شفاخانه ها و سرک های که بوسیله ی نیروهای نظامی بین المللی اعمار شده در معرض حملات گروپها و ملیشه های ضد-غرب قرار میگیرند .

زنان در افغانستان چه در دایره شخصی و یا اجتماعی، در فضای خشونت افراطی زندگی مینمایند. خلای برابری جنسیتی خیلی وسیع بوده و نا امنی، فساد و نظامی شدن کمکها، جلو هر نوع تغییر بنیادی را جهت بهتر ساختن زنده گی زنان گرفته است. در مورد پروسه ی صلح خوشبینی جدی وجود ندارد اما زنان افغان معتقد بر اهمیت توسعه ی نقش و مساعی شان بحیث فعالان جامعه ی مدنی در پروسه ی صلح میباشد .

زنان افغان پیشنهاد نمودند که دولت افغانستان باید متعهد گردد که حقوق زنان در مذاکرات صلح غیر قابل مذاکره بوده و حکومت باید مشارکت کامل و با معنای زنان را در مذاکرات و

تصمیمگیری در امور دولتی مطابق به قانون اساسی تامین نماید. دولت همچنان از طرح و تصویب هر قانونی که حقوق زنان را در مخالفت با قانون اساسی، مکلفیت ها و تعهدات بین المللی زیان میرساند، اجتناب ورزد. دولت همچنان باید سکتور های عدلی و امنیتی را مسؤول و پاسخگو جهت تامین امنیت زنان و منع هر نوع خشونت و تبعیض علیه قرار دهد.

سازمانهایی که برای زنان فعالیت مینمایند باید باهمدیگر همکاری نموده و مساعی شانرا در راستای حقوق زنان هماهنگ گردانند. لازم است که این سازمانها زنان پیشقدم را در عرصه های مختلف بحیث سرمشق جهت تشویق دیگر زنان حمایت، تقویت و تقدیر نمایند. بلند بردن ظرفیت مسلکی زنان افغان، باور و اعتماد آنها را برای اجرای وظایف در عرصه هایی مانند: اقتصاد، امنیت و قضا که مردان بیشتر در این عرصه ها تسلط دارند، افزایش میدهد. سازمانهای زنان باید به جای پروژه های کوتاه مدت، پروژه های دراز مدت را برای تقویت بیشتری نقش زنان در جامعه طرح و تطبیق نمایند.

جامعه ی جهانی باید تمام کمکهای خود را به حکومت افغانستان مشروط به حقوق زنان بحیث عنصر غیر قابل معامله در مذاکرات صلح، مطرح نماید. زنان افغان از جامعه ی بین المللی توقع دارد تا حکومت افغانستان در امر تحقق تعهدات مبنی بر قوانین و پالیسیهای برابری جنسیتی بخصوص قانون منع خشونت علیه زنان، همکاری نماید. زنان افغان باید رهبری اجندای برابری جنسیتی و تقویت زنان را در افغانستان جهت تعریف حقوق سیاسی و اجتماعی شان در جریان و بعد از پروسه ی انتقال به عهده داشته باشند.



جلسه هیئت رهبری شبکه ی منطقوی زنان، کابل اپریل ۲۰۱۳

منبع عکس: کلپنا بیسواس

مقدمه

خشونت علیه زنان جامع و فراگیر است. با قرار گرفتن در جایگاه غیر عادلانه قدرت و سلسله مراتب، زنان در سراسر جهان با خشونت ساختاری و ذات البینی روبرو بوده اما عمق و ابعاد این مساله در افغانستان با در نظر داشت (دوره سیاه) زمامداری طالبان هر نوع تصور را در رابطه با برابری جنسیتی و فرصتهای برابر برای زنان افغان از میان برده است.



زیادی از سال 2001 (1380) صرف بهبود وضعیت زنان و دختران افغان گردیده و برخی نتایج بزرگ موفقیت آمیز را در کشور بوجود آورده است. در حال حاضر 68 عضو ولسی جرگه، 28 عضو مشرانو جرگه، 3 عضو کابینه، 1 شهردار، رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر، رئیس حلال احمر افغانی و 9 عضو شورای عالی صلح را زنان تشکیل میدهند. امروز زنان در همه سکتورها به شمول جامعه ی مدنی، سکتور خصوصی، رسانه ها، هنر و فرهنگ بطور قابل ملاحظه حضور دارند. بر اساس ارقام بانک جهانی: بین سالهای 2010 و 2013، 6300 زن به گروههای موسوم به (savings groups) پیوسته اند که امکان دسترسی به قرضه های کوچک را فراهم مینماید؛ حدود 60٪ گروههای جدید متشبین را زنان تشکیل داده که با حمایت فنی پروژه های انکشاف شهری دسترسی دارند. 2.7٪ میلیون دختران افغان در سال 2012 به مکتب ثبت نام نموده که افزایش قابل ملاحظه را در مقایسه با سال 2002 با 191.000 شاگرد دختر نشان میدهد. در سال 2012 هفتاد و چهار درصد تسهیلات صحی دارای حد اقل یک زن بحیث عضو بود که 54٪ افزایش را در مقایسه با سال 2004 نشان میدهد؛ تعداد تسهیلات صحی از

496 به 2047 ازدیاد یافته، حدود 20 هزار کارمند صحی محل زیست که نیم آنان را زنان تشکیل میدهند- آموزش یافته و در سراسر کشور به کار گماشته شده اند. این پیشرفت دستیابی به خدمات راهنمای خانواده را افزایش داده و به ماموریت واکسیناسیون اطفال کمک کرده است. فیصدی زایمانهای که در کلینیک صورت میگرفتند در سال 2012، 43٪ بود که به تناسب سال 2004 افزایش 7٪ را نشان میدهد. کمک پیش از زایمان در دوران حاملگی به 39٪ در مقایسه با 6٪ 2003 افزایش یافته است¹.

با وصف تغییرات دهه ی گذشته که زنان شاهد و سهیم آن بودند، این موفقیتها صرف گام کوچکی در راستای تقویت نقش زنان میباشد. برای تقویت هر چه بیشتری نقش زنان در افغانستان اهتمام و تلاش بیشتر ضرورت بوده و این تلاش باید بیشتر مؤثر و هدفمند صورت گرفته تا بتواند زنان افغان را کمک واقعی نماید. افغانستان همچنان بلند ترین میزان مرگ و میر نوزادان و مادران را در جهان دارا میباشد².

بر بنیاد یک سروی ملی سال 2008 (1387) 87٪ زنان در زندگی خویش نوعی از خشونتهای چون سوی استفاده، تجاوز،

² بخش تحقیق و ارزیابی افغانستان، حقوق زنان و انتقال. حفظ دستاوردها، حرکت به سوپ آینده، آماده ۲۰۱۳ صفحه ۳۵

¹ http://www.worldbank/ida/ida_abcs_gender.html

اعضای شبکه ی منطقوی زنان در کابل - ۲۰۱۳

منبع عکس: کلپنا بیسواس



مسئولیت‌های امنیتی به نیروهای امنیتی افغان، در این کشور پایان خواهد داد. جامعه ی جهانی برای (ثبات) افغانستان در دهه ی مداخله یکی از بزرگترین مداخلات بین المللی در تاریخ را براه انداختند: بیش از 130 هزار سرباز خارجی از طریق قوای امنیت بین المللی برای همکاری (آیساف) گماشته شدند و افغانستان به یگانه کشوری که بزرگترین دریافت کننده کمک

انکشافی رسمی را تحصیل نموده است، تبدیل گردیده^۵. اما آیساف به متعهدان افغان خویش کشوری را وا میگذارد که با در نظر داشت مقایسه زمان مداخله نظامی خارجی که پس از 11 سپتامبر 2001 آغاز گردید به مراتب نا امن و بیشتر غرق فساد بوده است. در حالیکه از زمان مداخله نظامی خارجی تا حال بلیونها دالر به حیث کمک به افغانستان سرازیر شد اما بیشتر آن از طریق نیروهای نظامی در واقع به شکل کمک های نظامی به مصرف رسید.

بر اساس یک گزارش اخیر بانک جهانی، کمکهای بین المللی به افغانستان بصورت تقریبی 6 بلیون دالر در سال بوده که 40٪ تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور را تشکیل میدهد^۶. در حالیکه این کمکها موجب تمام پیشرفتهای از سال 2001 تا

ازدواج اجباری، تبادلۀ دختران برای حل منازعات و قتل های ناموسی تجربه کرده اند.^۳

بین 12 مارچ الی 12 اکتوبر 2012 کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان بیش از چهارهزار مورد خشونت علیه زنان را ثبت کرده است. این رقم 28٪ افزایش را در طی همین مدت در مقایسه با سال 2011 نشان میدهد. لهذا به نظر میرسد که رقم واقعی به مراتب بیشتر است، زیرا آنهایی که این چنین موارد را گزارش میدهند با خطر انتقام و انزوا روبرو اند^۴. آنچه را این حقیقت بیان میدارد عبارت است از افزایش خشونت در افغانستان و افزایش در میزان گزارشدهی چنین واقعات؛ زیرا حالا زنان احساس امن در گزارشدهی این موارد نموده و کمک های ضروری در جهت مبارزه با چنین قضایا نیز برایشان فراهم میگردد.

در چنین وضعیت پروسه ی تغییر سیاسی و انتقال زنان با چالشهای جدی روبرو هستند.

سال 2014 بدین ترتیب یک سالی سرنوشت ساز برای افغانستان خواهد بود. چون در پهلوی انتخابات ریاست جمهوری، جامعه ی بین المللی نیز ماموریت نظامی خود را با انتقال

³آبید صفحه ۵۱

⁵پاریس، رولند. افغانستان: چه اشتباه اتفاق افتاد، نظریات بر سیاست ها، پوهنتون کمبریج شماره. ۱۱. نشریه ۲۰۱۳/۲ صفحه ۵۳۸

⁶بانک جهانی. افغانستان در پروسه انتقال: نگاهی به دورتر از ۲۰۱۴ شماره. ۱. نگاه ماه می ۲۰۱۲ صفحه ۱

⁴قطعه نامه: زنان که در تحت قوانین اسلامی زندگی مینمایند و همکاران افغان در واکنش به افتتاح اولین دفتر طالبان در قطر و جریان پروسه صلح همراه رهبران بین المللی - جون ۲۰۱۳
<http://www.wluml.org/media/us-taliban-talks->
حسابدهی-حقوق بشر- و مرکزیت عدالت- متحمل شدن صلح

حال به شمول تاسیس زیربناها و تقویت ادارات حکومتی گردیده اما فساد، ساختارهای موازی عرضه خدمات خارج از سیستم حکومت، مدیریت ضعیف کمکها و حکومتداری ضعیف ضمیمه این همه تغییرات بوده است. تاثیر برهم زننده کمکها در جریان انتقال افزایش خواهد یافت.

ضمناً گشایش دفتر طالبان در قطر بحیث یک آدرس برای مذاکرات صلح با ایالات متحده امریکا بیانگر پایان جنگ در افغانستان نبوده بلکه مرحله ای دیگری جنگ و منازعه برای افغانستان میباشد. این همه رویدادها برای زنان افغان بیانگر یک ضربه ای بزرگ دیگر بر زحمات آنها برای دریافت یک جایگاه مصوون و برابر در کشور پس از رژیم تبعیضی طالبان میباشد.

حالا بعد از بیشتر از یک دهه مداخله جامعه ی بین المللی با وعده های (آزادی)، زنان افغان اکنون خود را در یک موقعیت متزلزل در میابند که بیشتر آن نتیجه ی نا امنی شدید، فساد فراگیر و نظامی شدن و مؤثریت کمکها میباشد.

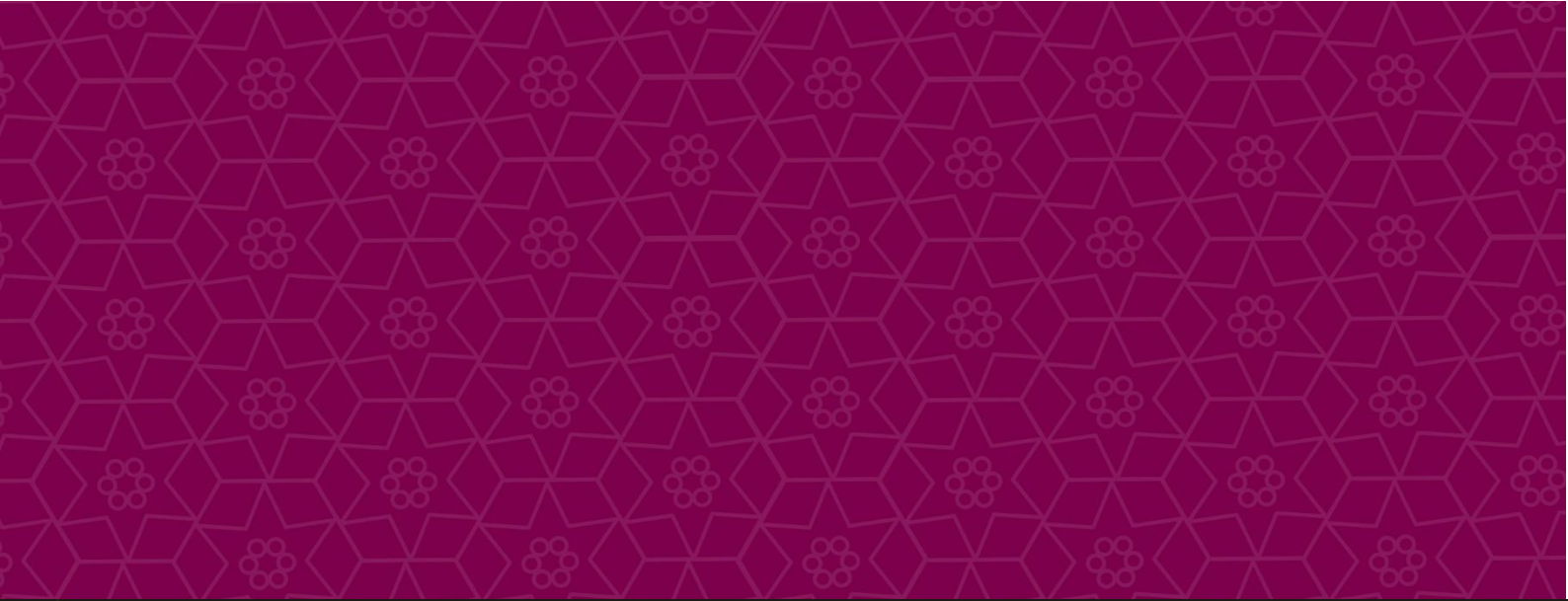
این گزارش بیانگر نظریات و صداها ی زنان افغانستان در ارتباط با موضوعات فوق که در نتیجه ی صحبت های محلی ترتیب گردیده است، میباشد. باید گفت که این نخستین گزارش نظریات مجموعی زنان در مورد امنیت، فساد، نظامی شدن و مؤثریت کمک ها میباشد. این گزارش در نوع خود نخستین گزارش است.

احصائیه جندر: گرفته شده از گزارش توسعه جهانی 2012

شاخص ها	افغانستان	پاکستان	هند
میزان حاملگی نوجوانان (ولادت فی 1000 زن در سنين 15-19)	۹۳	۲۸	۳۶,۴
مسوول در نهاد های رسمی (زن، % بیشتر از 15)	۲,۶	۳	۲۶,۵
سن در اولین ازدواج، زن	۲۱,۵ (۲۰۱۰)	..	..
گسترش ایجاد وقفه بین ولادت ها	۲۱,۲	۲۷ (۲۰۰۸)	۵۴,۸ (۲۰۰۸)
اعضاء خانواده که توسط زنان اداره می شوند (% خانواده هایی که اداره آن از طرف یک زن صورت می گیرد)	..	۱۰,۴ (۲۰۰۷)	..
قانون گذاران، مقامات ارشد و مدیران زن (% مجموعی)	..	۳ (۲۰۰۸)	۱۳,۱۰ (۲۰۱۰)
میزان حاملگی، مجموع (ولادت ها فی زن)	۵,۴	۲,۵	۳,۳
تسهیلات پیشرفته سیستم حفظ الصحة آب (% نفوس)	۲۸,۵	۴۷,۴	۳۵,۱
سهمگیری قوای کاری (زن، % مجموع قوای کاری)	۱۵,۸	۲۰,۸	۲۵,۴
میزان سهمگیری قوای کاری (زن، % نفوس زنان در سنين 15-64)	۱۶,۱	۲۳,۴	۳۰,۳
اوسط عمر در ولادت، زن (سال ها)	۶۱,۴	۶۷,۲	۶۷,۷
خطر مادام العمر مرگ مادران (1: میزان آن از کشور تا کشور فرق می کند)	..	..	..
میزان سواد، جوانان از طبقه اناث (% زنان بین سنين 15-24)	..	۶۱,۵ (۲۰۰۹)	..
میزان سواد، جوانان از طبقه اناث (% زنان بالاتر از سن 15)	..	۴۰,۳ (۲۰۰۹)	..
میزان مرگ و میر مادران (تخمیناً فی 100000 ولادت زنده)	۴۶۰ (۲۰۱۰)	۲۶۰ (۲۰۱۰)	۲۰۰ (۲۰۱۰)
تناسب چوکی های که در پارلمان کشور مربوط به زنان است (%)	۲۷,۷	۲۲,۵	۱۱
تناسب زنان در پست های وزارت (%)	۷,۴ (۲۰۱۰)	۷,۵ (۲۰۱۰)	۱۰ (۲۰۱۰)
زنانی که در سن 18 ازدواج نمودند (% زنان بین سنين 18-24)	۴۰,۴	۲۴ (۲۰۰۷)	..

دسترسی به معلومات ذیل بانک جهانی، معلومات برابری جندر و احصائیه

<http://datatopics.worldbank.org/gender/thematic-data> on October 24 2013



کارمندان انتخابات افغانستان در حال انتظار برای رای دهندگان در مرکز رای دهی انتخابات پارلمانی، کندهار
منبع عکس: ریوترس/عمر سیحانی



پس منظر

شبکه ی منطقوی زنان در سال 2011 تاسیس گردیده و متشکل از زنان از جامعه ی مدنی از افغانستان، هند و پاکستان بوده که جهت دادخواهی برای تقویت حقوق زنان، تامین صلح و امنیت در منطقه باهم متحد گردیده اند.



شبکه با چنین هدف فعالیت مینماید: "زنان با همدیگر در داخل و فراتر از مرزها همکاری نموده، از تجارب یکدیگر آموخته، به یکدیگر گوش فراه داده و یک برنامه ی مشترک کاری را برای انکشاف برابر و متداوم را با شرکت کامل زنان در امر داشتن یک جامعه ی عادل طرح و تطبیق نمایند."

با آغاز کار اعضای شبکه ساحات مورد نگرانی مشترک را مانند نظامی شدن کمک ها، افراطیت، فساد و فقدان امنیت- بحیث اولویتهای کاری در هر سه کشور، شناسایی کردند. اعضای این شبکه در کشورهای افغانستان، هند و پاکستان همه مستقل بوده اما در همکاری نزدیک با همدیگر فعالیت مینمایند. اعضای هریک از این کشورها دیگران را دعوت مینمایند تا با هم متحد گردیده و روابط کاری را با افراد و سازمانهایی که برای حقوق زنان در کشورهای مربوطه شان فعالیت دارند بهتر نمایند.

این ابتکار به دلیلی آغاز گردید که هر سه کشور تاریخ مشابه مبارزه با چندین دهه ی منازعات داخلی داشته که ریشه ها و پیامدهایی چنین رخداد ها سیاستهای هر سه کشور را بصورت مغلق متاثر ساخته است. نقش شبکه ی منطقوی زنان نقش تسهیل کننده بوده و به مجتمعات زنان کمک مینماید تا موفقیتهای شانرا باهم شریک ساخته، از چالش های همدیگر آموخته، اجندای مشترک کاری را بوجود آورده و راه های همکاری و پیشبرد اهداف و ارزشهای مشترک را به هدف ایجاد ثبات و رشد اقتصادی متوازن در منطقه دنبال نمایند.

این شبکه بخصوص نگران رابطه ذات البینی امنیت و افراطیت، فساد و نظامی شدن جامعه به شمول نظامی شدن و موثریت

کمکها میباشد چون این همه زندگی زنان را متاثر ساخته است. بدین گونه شبکه فعالیتهای خود را بر تقویت ارزشهای دموکراتیک متمرکز ساخته تا اطمینان حاصل گردد که مشارکت سیاسی و اقتصادی زنان در روند صلح و عدالت قربانی نگردد. جهت شناخت و معرفی این شبکه به دیگران، مفکوره ای راه اندازی یک پروژه ی تحقیق کیفی در رابطه با دیدگاه زنان در مورد امنیت، فساد و نظامی شدن و موثریت کمکها انکشاف داده شد.

شبکه ی منطقوی زنان در افغانستان با مؤسسه برابری برای صلح و دموکراسی (EPD) کار مینماید تا تحقیق کیفی وضعیت امنیت، فساد و نظامی شدن و موثریت کمکها را از دید زنان افغان مورد ارزیابی قرار دهد. صحبت های محلی در هشت ولایت افغانستان با اشتراک زنان دارای تجارب متفاوت صورت گرفت. موسسه برابری برای صلح و دموکراسی تحقیق ابتدایی را انجام داده و برای آن حمایت فنی فراهم کرده است.

هدف این گزارش تحقیقی سهمگیری در غنای تحقیقات فزاینده در مورد مسایل مربوط به برابری جنسیتی در افغانستان میباشد. این گزارش دیدگاه های زنان افغان را از سراسر کشور برجسته میسازد. ضمناً هدف این است تا فرصتی را برای زنان افغان در سراسر کشور مخصوصاً از ولایات برای بیان دیدگاه هایشان فراهم نماییم. نظریات زنان افغان درین گزارش اساس سفارشی را احتوا مینماید که بحیث وسیله ی دادخواهی جهت افزایش مشارکت زنان در پالیسی سازی و تصمیمگیری استفاده خواهد شد. چون شرکت زنان در مرحله ی انتقال و خروج عساکر خارجی از افغانستان دارای اهمیت خاص میباشد.



یک زن در حال قدم زدن در حوزه امنیتی پولیس ولایت هرات
منبع عکس: ریوترس/محمد شعیب

هدف و شیوه کار

هدف تحقیق کنونی این است تا دیدگاه های زنان در رابطه با امنیت، فساد، نظامی شدن و مؤثریت کمک های ارزیابی گردد. آنگونه ای که قبلاً گفته شد، هدف تنها دریافت دیدگاه های زنان نه، بلکه برجسته سازی حقیقتی است که این مسایل با در نظر داشت کدام شیوه های بنیادی زندگی زنان را متاثر میسازند. برای بازتاب کامل دیدگاه ها زنان، تحقیقی در هشت ولایت کشور صورت گرفته است.

فرمولبندی شده استفاده شده است. از این روش برای درک چالش های استفاده گردیده که زنان با آنها در نتیجه محیط نا امن، فساد شایع، نظامی شدن و مؤثریت کمکها و انکشاف در محلات روبرو اند. گروه تحقیقاتی به هدف درک بیشتر موضوعات مربوطه، گزارشهای قبلی مربوط به این بخشها را نیز مورد مطالعه و مرور قرار داده اند.

پرسشنامه ی تحقیقی به کمک مشوره های اعضای جامعه ی مدنی و اعضای شورای ملی ترتیب گردیده است. این پرسشنامه بر سه ساحه کلیدی متمرکز میباشد:

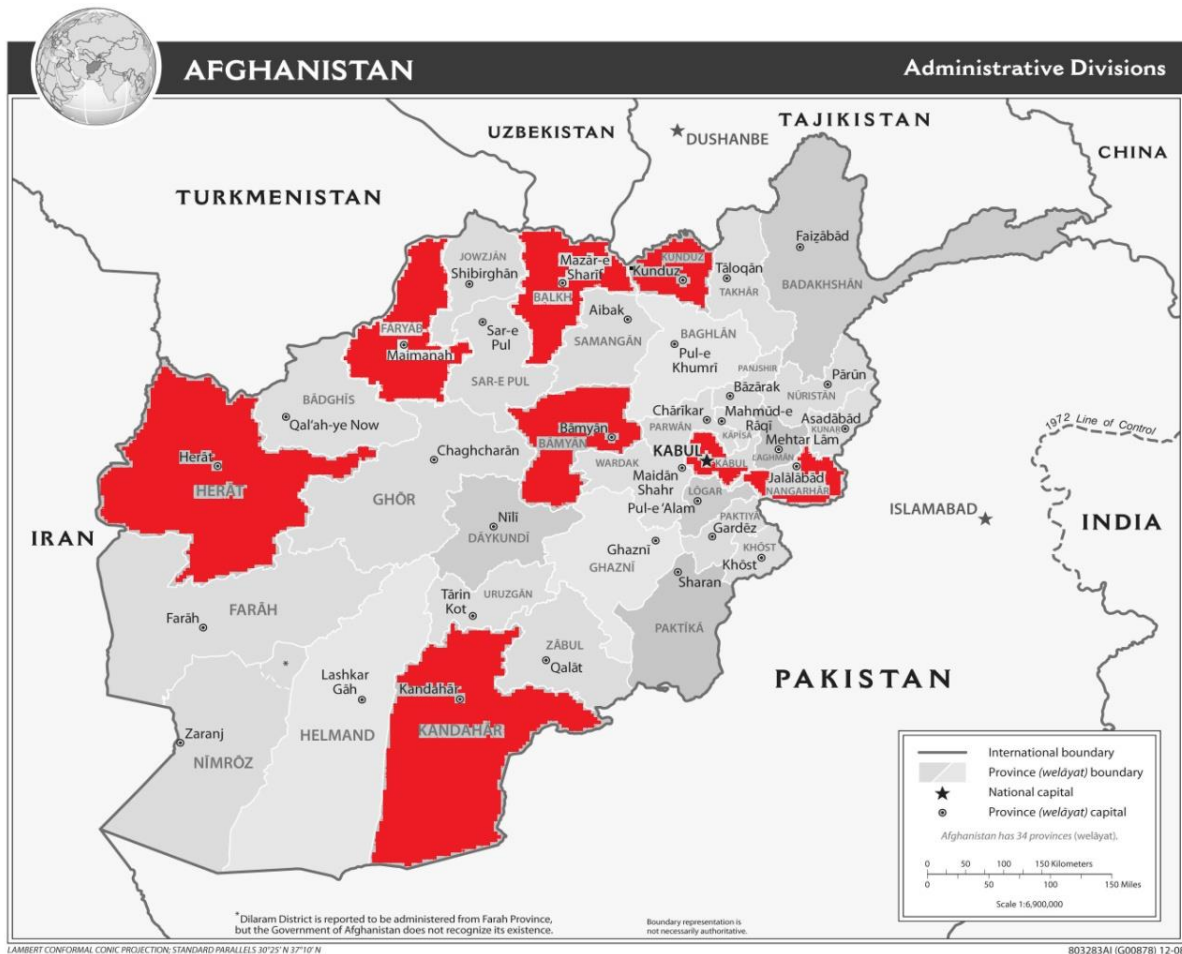
- فقدان امنیت چگونه زندگی روزمره زنان را متاثر میسازد؟
- فساد بر زندگی روزانه زنان چگونه اثر میگذارد؟
- دیدگاه های زنان در رابطه با نظامی شدن و مؤثریت کمکها در افغانستان چیست؟

یافته های این گزارش بر معلوماتی استوار اند که از مباحث گروهی (FGD) و مصاحبه های اهل خبره در هشت ولایت بدست آمده اند. این ولایات عبارت اند از: کابل، بلخ، بامیان، فاریاب، هرات، کندهار، ننگرهار و کندز. از آنجایی که وضعیت امنیت در این ولایت از هم متفاوت اند، این گزارش بازتاب دهنده ی صدای زنان مبتنی بر وضعیت امنیتی کشور میباشد- یعنی از ساحات کمتر متاثر تا ساحات بی ثبات را احتوا مینماید. این گزارش بازتاب دهنده ی نظریات زنان از ولایات مختلف میباشد که شامل اقوام مختلف بوده و یک فکتور مهم مطالعه دیدگاه های زنان را تشکیل میدهد. ولایات نامبرده در چهار منطقه ی کشور موقعیت داشته که هر یکی نگرانی ها و مسایل ویژه خود را دارد. این ساحات در کل بیانگر تاثیراتی ویژه بر زندگی زنان و چالش هایی که زنان در سطح محلی با آنها روبرو اند، میباشد.

در بحثهای محلی که در هشت ولایت انجام داده شد زنان از عرصه های مختلف شرکت کردند. موسسه برابری برای صلح و دموکراسی تحقیق ابتدایی را انجام داده و کمک فنی تحقیق را فراهم کرده است. هدف این تحقیق بازتاب دادن صدای تعداد بیشتری زنان از سراسر افغانستان مخصوصاً ولایات که خلای بزرگی را بوجود آورده است، میباشد. بسیاری از گزارشهای قبلی در مورد زنان افغان، صدای زنان از شهرها را نسبت به ولایات بیشتر مصوون بازتاب میدهند. بسیاری این گزارشها نظر و باورهای زنان از جامعه ی مدنی، حکومت و دیگر عرصه ها را در کابل توضیح میدهند. به صدای زنان عادی افغان که ممکن است 8 طفل مکتبی را پرورش داده ؛ یا معلمی که زندگی خود را روزانه با رفتن برای تدریس به مکتب به خطر انداخته و یا هم عروسی که تازه ازدواج کرده و نگران امنیت شوهرش است هیچگاهی توجه نشده است. لهدا، این تحقیق دیدگاه های زنان - از شهرها، دهات و ولایات را توضیح میدهد.

این تحقیق ما را همچنان کمک نمود تا سفارشات عملی را بر بنیاد نظریات زنان انکشاف داده که اساس فعالیت دادخواهی شبکه را بخصوص جهت ازدیاد سهمگیری زنان در پالیسی- سازی و تصمیمگیری تشکیل خواهد داد. گزارش تحقیق حاضر دو موضوع را بصورت عمده ارزیابی مینماید:

- علل و فکتورهایی که زندگی زنان را متاثر میسازند؛
 - سفارشات و برنامه های کاری که بحیث وسیله ای دادخواهی برای افزایش مشارکت زنان، به شمول نگرانی های آنها در خوب و انکشاف اجتماعی به کار برده خواهد شد.
- در تحقیق از مباحث گروهی (فوکس گروپ) و مصاحبه های اهل خبره (KII) برای جمع آوری معلومات به سوالهای که از قبل



شکل 1: ولایات نشانی شده با رنگ سرخ محلاتی اند که تحقیق به وسیله ی موسسه برابری برای صلح و دموکراسی انجام شده است.

افغانستان، نماینده گان ریاستهای امور زنان و اعضای شورای ولایتی میباشند. در هر یک از هشت ولایت انتخاب شده حد اوسط چهار مصاحبه با چنین افراد انجام داده شده است. برای تامین جهت مطالعه ی عمیق و غنای هر چه بیشتری تحقیق، ما بصورت آگاهانه به جای کابل بیشتر به زنان ولایات توجه نموده تا بتوانیم نظریات آنها را ثبت و بازتاب دهیم. زیرا مواد/تحقیقات فعلی در این رابطه همه نظریات زنان کابل را بحیث نظر زنان افغانستان بازتاب میدهد .

گزارش تحقیقی حاضر از معلومات ثانوی، به شمول گزارشها، ارزیابی های پالیسی سازمانهای محلی و بین المللی در رابطه با موضوع مورد نظر این تحقیق و تجارب زنان و دختران افغان از تحول و انکشاف کشور در دهه ی گذشته و سهم جامعه ی بین المللی در این پروسه نیز سود برده است.

پنج بحث گروهی در هریک از هشت ولایات انتخاب شده به زبانهای ملی (دری و پشتو) صورت گرفت. این بحثها ثبت، نوشته و بعداً توسط تحقیق کننده گان مخصوصاً برای این گزارش ترجمه گردیدند. هر گروه به گونه ی معیاری چهار تا پنج عضو داشتند که زنان و دختران از عرصه های مختلف - شاگردان و محصلان، معلمان، کارمندان امور صحتی، فعالان جامعه ی مدنی، کارمندان حکومتی و زنان منازل - همچنان افراد باسواد و بی سواد، شهری و دهاتی شامل آنها بودند. شرکت کنندگان مباحث گروهی زنانی بودند با مشخصات عمومی نفوس کشور و بدینترتیب تحقیق را بیشتر جامع و غنی ساختند.

اطلاعات اولیه از طریق مصاحبه های کلیدی با اهل خبره نیز جمعآوری گردید. این افراد که بحیث افراد دارای دانش و تخصص در عرصه های مورد نظر مربوط به زنان بودند شامل اعضای کمیته های صلح ولایات، اعضای کمیسیون مستقل حقوق بشر



منبع عکس: موسسه برابری برای صلح و دموکراسی

حالا ما یک دولت دموکراتیک داریم، مردم میتوانند آزادانه صحبت کنند، اما نا امنی این همه حقوق را از مردم میگیرد.

یکی از کارمندان صحت، ولایت کندهار

ریزی دراز مدت اعضای شبکه کمک نماید. هدف چنین است که این گزارش به یک سندی کاری توسعه یابنده تبدیل گردیده و در خدمت اعضا و همکاران شبکه قرار داده شود.

بحیث نکته ی آخری: در مجموع، این گزارش بیانه های شرکت کنندگان را نقل نموده تا در موازی با وضعیت عمومی با درک تجارب فردی روی موضوعات اساسی نیز توجه صورت گیرد. برای حفاظت هویت اعضا، نامهای آنها محرم نگهداشته شده اند، و تنها نقل گفته فراهم گردیده است.

همچنان باید یاد آوری گردد که مواد تحقیقی در مورد تاثیر فساد بر زندگی زنان، و حتی کمتر از آن در رابطه با نظامی شدن و موثریت کمک ها بر زندگی زنان خیلی اندک اند. برای رفع این خلا، دفتر مرکزی شبکه ی منطقوی زنان توضیحي از مطالعات اخیر، گزارشها و سایر مواد را در این رابطه فراهم نمودند. این توضیحات بحیث معلومات اساسی و مقدماتی به ما امکان بخشید تا با بحثهای جاری و مدارک مربوط به موضوعات یادشده آشنایی بیشتر حاصل نماییم. امید است توضیحات متذکره الهام بخش برای اندیشه های جدید بوده ، علاقه مندی برای بحث های منطقوی را موجب گردیده و به غنای برنامه



بحث ها گروهی، ولایت فاریاب
منبع عکس: هما صافی

توضیحات به تفصیل:

دیدگاه های زنان افغان در مورد امنیت، فساد، نظامی شدن و موثریت کمک ها

میان نظامی شدن و موثریت (کمک ها)، امنیت و فساد رابطه ی مستقیم وجود دارد. وقتی تعداد افراد مسلح در جامعه افزایش میابد، امنیت کاهش میابد؛ و وقتی جامعه بیشتر نا امن میگردد، فساد افزایش میابد. همانند وجود ما وقتی وجود ما ضعیف میگردد، هر نوع میکروب یا بیماری میتواند به سادگی وجود ما را مورد حمله قرار دهد.

– کارمند امور صحتی، ولایت کابل

انتخابات 2010 که تعداد بیشتری زنان در پارلمان نسبت به آنچه که قانون اساسی تعیین کرده رقم زد⁷. اما یک کارمند صحتی از ولایت کندهار ابراز میدارد، اکثر نتایج برای برابری جنسیت سطحی و شکننده اند.

" بروی کاغذ ما قوانین خوب و مفید داریم، اما اغلب آنها در واقعیت عملی نمیگردند."

زنان و دختران افغان دستاوردهای کمتر از یک دهه ی مداخله بین المللی برای نمایش دارند. در بسیاری مناطق کشور بیشتر پیشرفت و ترقی به ملاحظه میرسد. زنان افغان به مبارزه برای حفظ دستاوردهای خویش ادامه داده که با وصف وخامت شرایط امنیتی، نا امنی، فساد گسترده و مداخله فزاینده نظامی یک ماموریت دشوار میباشد. داستانهای فردی، که به وسیله ی شرکت

گفته زنانیکه که رژیم طالبان را تجربه کردند، مقدار قابل ملاحظه ی کمک ها به افغانسان برای بهبود زندگی زنان فراهم گردید تا لکه های (دوره تاریک) را بزدايد. کمبود در ابتکارات دونه ها و مؤسسات جهت تقویت و توانمندی زنان برای برابری جنسیتی احساس نمیگردد. از طرح و تسوید قوانین گرفته تا ابتکارات تعلیمی برای دختران، آموزش و ارتقای ظرفیت زنان در سکته های مختلف، میلیونها دالر کمک برای حمایت از زنان افغان بحیث بخشی از پروژه وسیعتر دولت سازی فراهم گردید.

زنان افغان در نتیجه ی دادخواهی شان دستاوردهای چشمگیری داشتند. این دستاوردها عبارت اند از تصویب قانون اساسی در سال 2004 که برابری زن و مرد را ضمانت نموده و نتایج

⁷ 28% در ولسی جرگه و 27% در مشرانو جرگه، در حالیکه سهمیه تعیین شده در قانون اساسی به ترتیب 25% و 17% میباشد.

کنندگان مباحث بیان شده اند بیانگر دشواریها و مبارزاتی اند که زنان افغان با آنها روبرو اند. تجربه آتی بیانگر مبارزه دشوار روزانه میباشد.

"چند روز قبل شوهری همسر خود را به شفاخانه آورد. خانم در شرایط بدی قرار داشت و به خون نیاز داشت. ما از شوهرش خواستیم تا برای همسرش خون فراهم سازد. شوهر به ما گفت "بگذار بمیرد. زن دیگر خواهم گرفت و آن زن از بین رفت"
دکتور، ولایت کابل

نقل متذکره شگاف بزرگی را بیان میکند که میان واقعیت موجود در زندگی واقعی و نگاشته های روی کاغذ وجود دارد. این فاصله را میتوان نتیجه ی چندین دهه جنگ و منازعه - به شمول نا امنی فزاینده، فساد فزاینده، و استفاده از کمک بحیث ابزار سیاست خارجی و امنیتی بین المللی دانست؛ همه اینها توانایی زنان افغان را برای شرکت فعال در امور جامعه متاثر ساخته اند. یکن کارمند یک سازمان غیر حکومتی از فاریاب چنین خلاصه میکند:

"مشکلات صلح، امنیت و فساد - این مسایل تاثیر منفی بر زندگی روزانه زنان، بر فعالیتهای عادی آنان داشته اند. اینها موجب گردیدند تا زنان در جامعه کمتر فعال باشند."

بخش بعدی با تفصیل بیان میدارد که امنیت، فساد و نظامی شدن و موثریت کمکها چه گونه زندگی زنان را در افغانستان متاثر ساخته اند.

الف) دیدگاه زنان در مورد امنیت

"هرچند ما حکومت دموکراتیک داریم و مردم آزادی بیان دارند اما نا امنی همه این حقوق را از مردم سلب نموده است."

کارمند امور صحت، ولایت کندهار

نا امنی فزاینده در کشور بر توانایی زنان برای استفاده از آن حقوقی تاثیر گذاشته که در قانون اساسی 2004 و سایر قوانین و معاهدات بین المللی که حکومت افغانستان به آنها پیوسته است تسجیل گردیده اند.

قابل تعجب نیست که نظر سنجی تامسن رویتر (Thomson Reuters) در سال 2011 با صاحب نظران چند در سراسر جهان نشان داده است که افغانستان خطرناکترین کشور برای زن میباشد. آنها شرایط کنونی امنیتی و فرهنگهای مردسالاری و سنتی را علتی عمده که افغانستان از محلات جنگ - زده مانند کانگو و سومالیا جلو افتیده است، میدانند

بحث های متعدد گروهی به مسایل امنیتی از نظر زنان نگاه کردند. در بحث ها سعی ورزیده شد تا از سوال "امنیت از نظر شما چیست؟" فراتر تلاش گردیده تا این روند عمق موضوع و ابعاد دیگری را نیز احتوا کند. بحث های مختلف به شمول طرح این سوال از زنان که " زنان باسواد یا زنان بیسواد، زنان شهری یا دهاتی، کدام یک بیشتر خود را مصؤون احساس میکنند؟" گروه محققین همچنان سعی کرده تا دریابند که کدام استراتژی را زنان برای مقابله با نا امنی درپیش گرفته اند و در نهایت برای درک ابعاد مختلف نا امنی از شرکت کنندگان دعوت گردید تا تجارب فردی خود را از خشونت و منازعه بیان دارند.

از مزار شریف در شمال تا کندهار در جنوب و از هرات در غرب تا جلال آباد در شرق صراحت دارد که امنیت نگرانی روزانه نه بلکه نگرانی عمده زندگی زنان افغان دانسته میشود. زنان افغان که در این تحقیق شرکت کرده اند، آنچه را نظر سنجی تامسن ریویترز نشان داده بود، تایید کردند.

"چگونه میتوان احساس امنیت کرد وقتی هر روز از اخبار میشنویم که فردی اختطاف شده یا به قتل رسیده است؟ وقتی که عضو یک فامیل منزل را ترک میگوید ما نگران امنیت وی هستیم که ممکن است بر گردد یا نه. در چنین یک شرایط چگونه میتوان احساس امنیت کرد و بصورت عادی زیست. چند روز قبل حمله ی انتحاری در میدان هوایی ننگرهار صورت گرفت. چگونه منزل، دفتر و مکتب میتواند یک محل مامون باشد وقتی آنها بتوانند عمارتی را که تسدیداً از آن محافظت میگردد مورد حمله قرار دهند."

خانم خانه، ولایت ننگرهار



دختران، در مکتب کوچی چهار آسیاب ولایت کابل

منبع عکس: ایلین جسکول

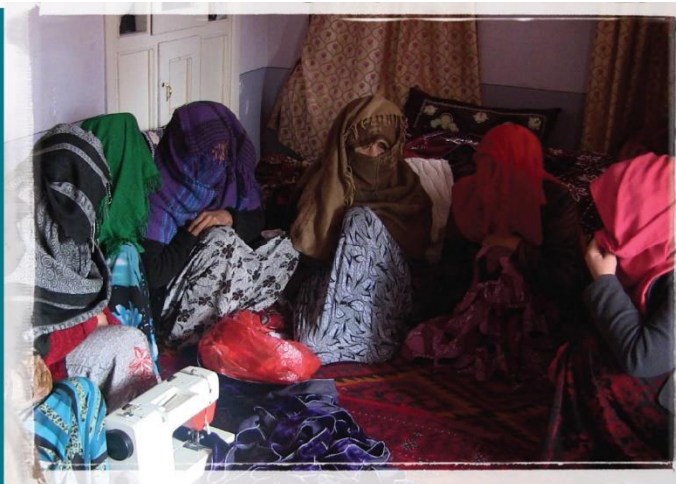
"نگرانی ما از انفجار بمب ناشی نگردیده و این تنها زندگی ما را میگیرد. ما از فکری نگران هستیم که جامعه در مورد زنان دارد، زنی که کار نموده و یا تحصیل مینماید. ما از عفت خود نگرانیم - وقتی یک زن نام نیک خود را در جامعه از دست میدهد دیگر نمیتواند دیگر در آنجا زندگی نماید. ما میدانیم وقتی از منزل بیرون میشویم مردم ما را با چشمان شان از منزل الی محل کار و برگشت آن دنبال میکنند. گاهی هم هراس داریم از اینکه آنها ممکن است شوهر و اطفال ما را مورد حمله قرار دهند."

کارمند یکی از سازمان های غیر حکومتی، ولایت کندهار

از نقل فوق بر میآید که رابطه ای میان فقدان امنیت برای زنان و ارزشهای سختگیرانه ای که بر زندگی زنان و دختران افغان حاکمیت دارند، وجود دارد. اما تاثیر واقعی موضعگیری های محافظه کارانه حاکم و برخوردهای تبعیض آمیز سنتی به حقوق زنان را میتوان در روایت معلمه ای از ولایت کندهار ملاحظه کرد.

درک و احساس زنان نسبت به امنیت بستگی به آن داشت که از لحاظ جغرافیایی در کجا زندگی میکنند. زنان کندهار خود را کمتر در امن احساس میکنند، درحالیکه زنان بامیان از همه مصوون تر فکر میکنند. زنان ننگرهار و کندز خود را به مقایسه زنان کندهار بیشتر در امن میدانستند اما در مقایسه با زنان بامیان کمتر نگران امنیت خود بودند. صرفنظر از این تنوع منطوقی، زنان افغان خود را در برابر منازعه ای که افزایش میابد آسیب پذیر میدانند. یک محصل پوهنتون، به گونه مثال در بامیان ابراز میدارد با وصف آنکه خود را " صد درصد " در ولایت خویش در امن میدانم، خود را در شرایط آسیب پذیری در میابم هر باریکه بیرون از ولایت خود سفر میکنم .

مصاحبه شونده گان نیز به تفاوت اوضاع امنیتی میان مراکز شهرها و ساحات بیرون از آنها اشاره کردند. آنها میان فقدان حاکمیت حکومت و فقدان امنیت بخصوص برای زنان در مناطق دور دست یک رابطه ی مستقیم می بینند. بسیاری از مصاحبه شوندگان فقدان امنیت زنان افغان را به حاکمیت سنت مرد سالاری و عنعنات ناپسند نیز رابطه میدهند. بر علاوه آنگونه ای که نظر سنجی تامسن ریوترز معتقد است، دلیل عمده فقدان امنیت زنان در منازل جنگ نه، بلکه موقف زنان در جامعه ی افغانی میباشد.



بحث های گروهی در ولایت فاریاب

منبع عکس: هما صافی

وخامت فزاینده شرایط امنیتی زندگی زنان و دختران را به گونه های مختلف متاثر ساخته است. پیامدها شامل از دست دادن فرصتهای اقتصادی و افزایش فقر، کاهش امکانات دسترسی به تعلیمات و خدمات صحتی، شرکت در امور اجتماعی و خشونت‌هایی وحشیانه می‌باشد که هر روز تجربه میکنند.

تیسره ی آتی یک شاگرد هنگام بحث در ولایت کندهار دشواری دسترسی به حق تسجیل شده در قانون اساسی افغانستان حق تحصیل را نشان میدهد:

"همصنفان ما در برابر چشمان ما بقتل رسیدند و بر عده ای از همصنفان ما تیزاب پاشیده شد."

حتی در یکی از امن ترین ساحه کشور - بامیان، نا امنی و افزایش حملات بر زنان و دختران آغاز به تاثیر کرده است. بر اساس گفته ای یک محصل در یکی از مباحث در آن ولایت:

"در چند ماه گذشته به دلیل حملات بر دختران و موارد مسموم سازی تانکهای آب آشامیدنی در برخی از مکاتب، هیچ احساس امنیت وجود ندارد."

همه ی این داستانها نشان میدهند چگونه نیروهای آشوبگر در دگرگون کردن امنیت در کشور فعالیت مینمایند. اما نا امنی و مخصوصاً خشونت جنسیتی در هیچ جای دیگری به تناسب افغانستان که زنان و دختران با آن روبرو اند، تاثیر نداشته است. در حالیکه خشونت مبتنی بر جنسیت در کشور تاریخ طولانی دارد،

"شوهرم میخواهد دختر ما را بدون رضایت وی نامزد نماید. وی به من و به پدرش بارها گفت که نمیکند ازدواج نماید، میخواهد تحصیل کند. اما پدر وی قبول نکرد. وی خودکشی کرد و این بزرگترین اشتباه ما بود زیرا وی مجبور گردید به چیزی که نمیکند."

در حالیکه افکار سنتی تمام زنان را در یک دایره ای خشونت محصور مینماید اما آن زنده گی زنانه که در صف اول مبارزه برای تغییر در جامعه افغانی کار مینمایند از همه بیشتر در معرض خطر میباشند. فعالان حقوق زن بخصوص استادان، کارمندان امور صحتی و زنانه مصروف اموری اند که مردان تا حال مسوول آنها بودند مانند: امور سیاسی، پولیس و غیره اموری که بیشتر آسیب پذیر میباشند. زیرا این زنان در ساعات عامه فعالیت نموده و خارج از آن ساحاتی که از نظر فرهنگی برای زنان افغان قابل قبول است، پنداشته میشود...

خانمی منزل از ولایت کندز در یک بحث گروهی ابراز داشت:

"دو زنیکه برای وزارت امور زنان کار میکردند و دو خانم که وکیل مدافع بودند "به وسیله ی مخالفین مسلح" در ولایت متذکره به قتل رسانیده شدند."

اما برخی از شرکت کنندگان احساس میکردند که زنان خانه که سواد ندارند و زندگی آنان از سوی شوهران شان در فامیل اداره میگردد، آسیب پذیرترین گروپ را تشکیل میدهند.

یک نظام عدلی مقابل هستند که قوانین توسط مردان و برای مردان نوشته شده و تطبیق می‌گردد^{*8}.

محصلی از ولایت بامیان ابراز می‌دارد:

" برای یک قاضی خیلی عادی است در صورتی که دعوایی در محکمه ثبت شده باشد و یک مرد و یک زن بحیث طرفین دعوا باشند ، در مورد قضیه به نفع مرد تصمیم گیرد."

زنان افغان تمام پیچیده گی موضوعات را که افغانستان را به خطرناکترین کشور برای شان تبدیل نموده میدانند، بازهم در حمایت خود از نیروهای امنیتی افغان صراحت داشتند. اما زنان نقش گروپهای مسلح غیر قانونی را تقبیح نمودند. بسیاری از زنان توضیح نمودند که چگونه این گروپها یک فضای بصورت فزاینده نا امن را نه تنها برای زنان بلکه برای جامعه در کل ایجاد نمودند. تعداد زیادی از زنان می‌گویند که با نیروهای امنیتی افغان خود را در امن می‌پندارند. بیان ذیل از معلمه ای از کندز گویای این حقیقت است:

"ما از تقویت نیروهای مسلح افغان حمایت مینماییم زیرا بالای آنها حساب میکنیم. هرگاه آنها بصورت درست و کافی تقویت گردند، ما میتوانیم در صلح زندگی نماییم. ما از ملیشاهای مسلح غیر قانونی و از طالبان در هراسیم."

زنان در بحث های مختلف احساس وطنپرستی خود را نیز ابراز داشتند. بسیاری از آنان افتخار مینمایند که افغانستان دارای نیروهای امنیتی و نظامی میباشد. در میان شرکت کنندگان اعضای فامیل یک تعدادشان در اردو و یا پولیس کار نموده و آنها بلایشان افتخار میکردند. در یکی از گروپها خانمی ابراز داشت که تا چه حد افتخار دارد که دخترش در صف پولیس خدمت مینماید. با وصف اینکه پولیس بودن یک انتخاب سنتی نمیباشد، این شرکت کننده افتخار داشت که دختر وی منحیث پولیس خدمت

میزان تجاوز جنسی بخصوص در حال صعود میباشد. عنعنات ناپسند و مفکوره های زن ستیز عامل عمده ی افراطیت و خشونت میباشد که دختران افغان تجربه مینمایند، عامل دیگر فرهنگ مروج معافیت در کشور میباشد.

"دختری در یک سازمان ایفای وظیفه میکرد. به فامیل خود حکایت میکند که مردی چند بار برای وی پیشنهاد ازدواج کرد اما وی رد کرده است. آن مرد، دختر را چندین بار تهدید کرده و بعد از یک ماه به قتل رسانید. آن مرد هنوز در آن سازمان کار میکند اما فامیل دختر قدرت شکایت علیه وی را ندارد."

محصل، ولایت کندهار

فرهنگ معافیت فضایی را بوجود آورده که علاقه به گزارشدهی خشونت را حتی به مقامات یا نهادهایی که وظیفه رسیدگی به چنین موضوعات را دارند، مانند کمیسیون مستقل حقوق بشر، از بین برده است. آنچه را یافته های بحث ها و مصاحبه ها نشان میدهد، عبارت از یک سیستمی میباشد که در آن فرهنگ معافیت، عدم حاکمیت قانون و فساد گسترده، موجب گردیده تا عدالت تامین نگردد. از گزارشدهی خشونت تا بازپرسی، نظام فعلی مردم افغانستان، بخصوص زنان و دختران را مأیوس کرده است.

با وجود خشونت گسترده علیه زنان و دختران، یک سیستمی منظم برای رسیده گی به آن وجود ندارد. بر علاوه وجود فرهنگ معافیت که به عادت مبدل گردیده، زنان هم در گزارشدهی خشونتهاییکه از سوی مردان تجربه میکنند تعلل مینمایند. علت آن مفکوره ی بسیار پایین و نفرت آمیز که اجتماع افغانی نسبت به قربانیان خشونت جنسی دارند، یعنی قربانیانیکه دیگر در اجتماع قابل قبول نیستند. آنان حتی به دلیل زنا توقیف میگردند و یا برای جامعه "نا مناسب" دانسته میشوند.

مردان و پسرانی که دست به خشونت علیه زنان میزنند به ندرت دستگیر گردیده، مورد تعقیب قانونی قرار گرفته و متهم میگردند، زیرا موانع بسیار زیادی مقابل حاکمیت قانون وجود دارد. زنان با

و قانون اساسی افغانستان تناقض دارد. این عقبگرد حقوقی و تبعیض آمیز با اعتراض جامعه ی مدنی (اعلامیه شبکه زنان افغان و جامعه ی مدنی در رابطه با قانون تبعیض آمیز تصویب شده بوسیله ی پارلمان، کابل، 8 فبروری 2014) روبرو گردید.

* 8 یک انکشاف جدید در رابطه با نقض حقوق زنان: در فبروری 2012 ماده جدیدی در قانون اجراءات جزایی در افغانستان افزود شد که خشونت ساختاری را علیه زنان افزایش خواهد داد و دسترسی زنان را به عدالت محدود خواهد ساخت. این ماده به قاضی حق میدهد تا شهادت اقارب نزدیک را فراهواند، در حالیکه یک قسمت اعظمی خشونت در محیط منزل رخ داده و اعمالی مانند قتلهای ناموسی بدون مجازات خواهد ماند. این مساله با طرز العمل حقوقی

ب) فساد از نظر زن افغان

فساد دومین راهی است که مردم برای رسیدن به اهداف خویش انتخاب میکنند. زیرا این گاهی ساده ترین راه و گاهی هم یگانه راه میباشد. کارمند امور صحت، ولایت بامیان

روایات مباحث شرکت کنندگان، تصویر ترسناکی را از فساد در افغانستان منعکس میسازند. به فساد بیشتر بحیث یک شیوه ای رفتاری دیده میشود تا به حیث یک استئنا. تجارب آتی تاثیر زیانبار فساد را بالای زنان در عرصه های مختلف زندگی بازتاب میدهند.

"زنی را میشناسم که در یک مکتب بحیث صفا کار خدمت میکند. مدیره مکتب به وی گفته است: در صورتیکه در خانه من کار نکنی برطرفت میکنم. خانم به من گفت که: نیم روز در منزل وی و نیم روز در مکتب کار میکند."

خانم منزل، ولایت بلخ

زنان افغان فساد را با فقدان امنیت مرتبط میدانند. با وخامت وضع امنیتی فساد افزایش میابد. فکر میشود که فساد از فقدان حکومتداری خوب ناشی میگردد. حکومتداری خوب اساس نیرومندی را برای ترقی و شگوفایی جامعه فراهم میسازد. حکومتداری ضعیف ناگزیر به بنیادهای لرزان منتج میگردد. حکومتداری ضعیف در افغانستان هم بحیث منبع و هم بحیث محصول فساد پنداشته میشود. عدم اعتماد مردم بر حکومت به ترویج فساد و خرابی امنیت منتج گردیده است. زنان شرکت کننده در این تحقیق این حقیقت را ابراز داشتند که آنها حکومت را منبع فساد در کشور دانسته و فکر نمیکنند چیزی در این رابطه تغییر کند.

عقیده هم بر این است که فساد از رهبری جایی که معیارهای حکومتداری را تعیین مینماید سرچشمه گرفته و تا پایین رتبه ترین کارمند حکومت ادامه دارد. یک داکتر از ولایت بلخ خاطر نشان مینماید: "وقتی وزیر جدید به کار شروع میکند، تمام کارمندان تغییر میکنند، زیرا وزیر تمام اعضای فامیل و دوستان خود را در مقامات بلند و مهم میگمارد."

مینماید زیرا وی معتقد بود که تامین امنیت و مصوونیت وجیهه ای است برای مرد و زن که هر دو جنس باید به کشور و جامعه خویش خدمت نمایند.

در یکی از بحث های گروهی یک محصل پوهنتون داستانی را از کمپاین اجتماعی که وی در همکاری با دیگر محصلان به راه انداخته بود، بیان داشت: کمپاین با حمایت از نیروهای ملی امنیتی افغان پس از آن دایر گردید که آنها دلیرانه علیه شورشیان در یک حمله بر یک بلند منزل در کابل مبارزه کردند. از لحاظ مالی بسیاری زنان و دختران در این کمپاین سهم گرفتند. این مثال احساس افتخار زنان را بر نیروهای ملی امنیتی با وضاحت نشان میدهد.

زنان همچنان میدانند که با وصف این حقیقت که این نیروها هنوز در سطح دلخواه قرار ندارند، حضور آنها و توانایی رزمی آنان برای رزمیدن علیه شورشیان اعتماد را بین مردم بوجود آورده است. تعدادی از مصاحبه شوندگان عمیقاً بالای این موضوع بحث نمودند و همه آنها توافق نظر داشتند که نیروهای امنیتی باید بیشتر تربیت گردند و به تجهیزات بیشتر نیازمند هستند. از نظر آنها اکنون باید به کیفیت این نیروها از راه بلند بردن ظرفیت تخنیکی و فراهم نمودن تجهیزات توجه صورت گیرد.

در بحث بالای عواملی که میتواند امنیت را تامین نماید، زنان افغان ابراز نمودند که آنها نیز میتوانند سهم مهمی را در ایجاد فضای بیشتر امن ایفا نمایند. آنها تاکید بیشتر بالای اهمیت تربیت اطفال با سلوک مسالمت آمیز جهت تغییر افغانستان از یک جامعه جنگ-زده به یک جامعه صلح آمیز نمودند.

"روزانه 6 تا 8 معلم موظف میگردند تا به هدف تامین امنیت، دستکول و جیبهای شاگردان و آنها را که وارد مکتب میگردند جستجو، ذخیره آب و دفاتر اداری را کنترل نمایند. هرچند ما همه این کارها را روزانه انجام میدهیم، فکر میکنم بهتر خواهد بود تا یک معلم برای تدریس مضمون "صلح" برای سه ساعت در یک هفته توظیف گردد."

معلم، ولایت کندز.



زنان در جریان رای دادن در انتخابات ریاست
جمهوری، مزارشریف
منبع عکس: بیت والد

یک خانم منزل از ولایت ننگرهار اینگونه فرهنگ فساد را بیان
مینماید:

"هرکاری را که انجام میده‌دید، باید رشوه نیز
بپردازید. بطور مثال یک شاگرد که می‌خواهد مکتب
خود را تغییر دهد باید رشوه دهد. یا اگر شاگردی که
ارتقا و یا نمره خوب در امتحان کانکور می‌خواهد،
می‌تواند با رشوه آنرا به دست آورد".

شرکت کنندگان توافق نظر داشتند که فساد در چندین سال
گذشته بصورت قابل ملاحظه افزایش یافته است.

"فساد با گذشت هر روز افزایش می‌ابد. حکومت و
جامعه ما امروز به مقایسه پنج سال قبل بیشتر فاسد
اند. پیش از این ضرورت نداشتیم برای شامل شدن
در یک دفتر حکومتی رشوه بپردازیم، اما حال باید
برای دیدن یک مقام به منظور حل یک مشکل هم باید
پول بپردازیم. امروز باید پول داشته باشیم تا
مشکلات خود را حل نماییم و یا یکی از خویشاوندان
ما در یک مقام بلند حکومت قرار داشته باشد".

کارمند امور صحتی، ولایت هرات

شرکت کنندگان به این نظر بودند، افزایش در فساد که در یک
دهه گذشته به شدت زیاد گردیده است، می‌تواند بصورت مستقیم
نتیجه ای تمامی جنگها و منازعات چندین دهه گذشته باشد. آنها

یک محصل از ولایت بامیان ابراز میدارد:

"پنج یا ده سال قبل مردم برای یک حکومت خوب
امیدوار بودند اما با گذشت زمان دریافتند که چیزی
تغییر نخواهد کرد و تمام رهبران حکومت از منابع
حکومتی به نفع خود استفاده میکنند. بنابر آن همه
شروع کردند تا از رهبران پیروی کنند و اکنون کسی
وجود ندارد که برای کشور یا مردم خدمت نماید".

شرکت کنندگان از انواع مختلف فساد که در حکومت وجود دارد
یاد آوری کردند. شاید بهترین مثال تاثیرات منفی فساد را بالای
امور حکومتداری شرکت کننده از ولایت فاریاب بیان نمود:

"مردم با حکومت همکاری نمی نمایند زیرا حکومت
با مردم همکاری نمیکند".

در حقیقت فساد آن چنان در جامعه افغانی شایع گردیده که
مصاحبه شوندگان همانند "فرهنگ معافیت" از فساد بحیث یک
فرهنگ یاد مینمودند. چنانکه یک کارمند امور صحتی از ولایت
کندز ابراز میدارد "

"قبلاً به آن رشوه ستانی میگفتند اما امروز به دزدی
تبدیل گردیده است. فساد به یک فرهنگ مبدل
گردیده است. پول در هر کاری که ما انجام میده‌یم
سهیم شده و ناممکن است که کاری بدون رشوه
انجام یابد".



زنان در کمپ مهاجرین در ولایت کابل

منبع عکس: بیت والد

هنگام بحث در مورد فساد، مصاحبه شوندگان همچنان در مورد فضای باز جهت افشای این مسایل صحبت کردند. رسانه های اجتماعی دیجیتال توانسته بسیاری موارد فساد که میتوانستند از نظر پنهان بمانند برملا کرده و مورد بحث قرار دهد. این نه تنها بر رهبران خطا کار و سیاستمداران فشار وارد نموده بلکه ضرورت عاجل را برای تغییر نیز ایجاد نموده است. رابطه میان امنیت، کمک و فساد نیز مورد بحث قرار گرفت. نقل آتی این رابطه را توضیح مینماید:

"شش ماه قبل ما مقداری از کمک برای زنان بیوه در ولسوالی بلچراغ داشتیم. ولسوال مقداری از این کمک را میخواست. در اول ما قبول نکردیم اما در شب گروپ مسلح وی به ما اخطار داد که مورد حمله قرار خواهیم گرفت. بنابر آن برای حفظ جان خویش قبول کردیم."

کارمند سازمان غیر حکومتی، ولایت فاریاب

مساله کمک بین المللی با این واقعیت پیچیده گی یافته که قسمت زیاد کمک ها برای انکشاف از راه های مختلف صورت میگیرند و آنگونه ایکه در بخش بعدی نشان داده خواهد شد، دخالت بازیگران زیاد و ایجاد ساختارهای موازی در عرصه های انکشاف و بشردوستانه تعدادی از دشواریها را با خود حمل کرده که ساختاری شدن فساد و وخامت شرایط امنیتی شامل آنها میباشند.

ج) دید زنان افغان در مورد نظامی شدن و موثریت کمکها این عنوان سه موضوع را احتوا مینماید: نظامی شدن جامعه، موثریت کمکها و ساختار کمکها. شرکت کنندگان بحثها و

ابراز داشتند که همه جناح های دخیل در جنگ از این به نفع خود استفاده مینمایند.

آنها معتقد اند که حتی به اصطلاح عام "پروژه ی صلح" بحیث یک فرصت برای ثروت سازی شخصی افراد دیده میشود. کمکها نیز خود به منبع افزایش فساد مبدل گردیده است. در حالیکه ظرفیت و توانایی افغانستان برای هضم و مدیریت همچو کمکهای هنگفت محدود میباشد، دونه ها بصورت کل به این عقیده اند که تخصیص و مصرف پول فراوان یک مشکل را حل خواهد کرد. یک کارمند سازمان غیر حکومتی در ولایت ننگرهار در این مورد میگوید:

"از آنجاییکه پول زیاد به افغانستان سرازیر میشود و تغیر قابل ملاحظه دیده نمیشود که وضع را بهبود داده باشد، همه به این عقیده اند که فساد گسترده وجود دارد."

بسیاری از مصاحبه شونده گان موافق اند که تغیر بسیار کم در بدل بلیون ها دالر کمکها برای بازسازی دیده میشود. مردم افغانستان در قسمت کمکهای بین المللی افغانستان خود را میان دو سنگ و موقعیت دشوار میابند. محصلی از ننگرهار چنین میگوید:

"وقتی یک پروژه ساختمانی به یک قرارداد سپرده میشود، ما کیفیت پایین کار و حیف و میل وجوه را در تطبیق پروژه می بینیم."

مصاحبه‌ها در رابطه با موضوع نظامی شدن نظریات خیلی متفاوت داشتند. در حالیکه شرکت کنندگان بحث‌های گروهی یا از این افاده آگاه نبودند و یا برای ابراز نظر به توضیح نیاز داشتند، شرکت کنندگان مصاحبه‌ها بیشتر آگاهانه ابراز نظر کردند

نظامی شدن جامعه از راه ملیشه‌های غیر قانونی واکنش جدی بسیاری از شرکت کنندگان را داشت. بسیاری از آنها خاطر نشان کردند که نظامی ساختن جامعه تنها از سوی دولت صورت نمی‌گیرد. آنها در مورد گروه‌های شورشیان و طالبان و استفاده از تاکتیک‌های نظامی آنها برای ایجاد فضای نا امن و استفاده از آن برای مذاکره با حکومت سخن می‌گفتند. بسیاری از شرکت کنندگان در مورد این حقیقت سخن می‌گفتند که چگونه گروه‌های مخالف در نتیجه فقدان میکانیزم‌های حاکمیت قانون فضای دحش را برای مردم محل ایجاد مینمایند. یکی از گزارش‌های ملل متحد خاطر نشان کرده که "نظامی شدن جامعه به تعداد فزاینده اختطاف‌های زنان و دختران جوان به وسیله طالبان منجر می‌گردد. تعداد دقیق معلوم نیست زیرا فامیل‌ها متمایل نیستند این موارد را از هراس انتقام جویی و بدبینی و نفرت اجتماعی نسبت به دختران و زنان که اختطاف شده‌اند یا برای مقاربت جنسی به فروش رسیده‌اند، گزارش دهند"⁹

بسیاری از شرکت کنندگان نیز رابطه میان نظامی شدن و امنیت زنان را خاطر نشان ساختند. آنها خود را به دلیل نظامی شدن، بیشتر آسیب پذیر احساس می‌کردند. مصاحبه‌شوندگان با وضاحت میان نیروهای امنیتی که قانون را رعایت می‌کنند و ملیشه‌های غیر قانونی تفکیک می‌کردند. یک کارمند امور صحتی در کابل خاطر نشان می‌کند،

"با افزایش تعداد افراد مسلح غیر قانونی در جامعه، امنیت کاهش می‌یابد؛ وقتی وجود ما ضعیف می‌گردد، هر نوع ویروس میتواند به سادگی بدن ما را مورد حمله قرار دهد."

زنان همچنان در مورد منبع کمک‌ها و ادارات تطبیق کننده صحبت کردند. بسیاری از شرکت کنندگان فکر می‌کردند که رسانیدن کمک از طریق ساختارهای نظامی سریعتر و موثرتر بود. نقطه مورد نظر "نظامی شدن کمک‌ها" برای شرکت کنندگان تیم‌های بازسازی ولایتی بود. آنها از تجارب (خوب و بد) خود با این تیم‌ها

سخن می‌گفتند. شرکت کنندگان شهر کابل مثالی را ابراز داشتند که در آن نظامیان کمک را به نحوی سریع و موثر آن فراهم ساختند، موردی که زنان بیشتر از همه با آن نیاز داشتند. در سال 2005 پوهنتون کابل دیوار احاطه نداشت و زنان به دلیل فقدان چنین دیوار احساس نا امنی می‌کردند. وقتی این نگرانی با تیم بازسازی درمیان نهاده شد، تیم متذکره پروژه آن را طراحی و طی 6 ماه آن را عملی کرد:

ما با تیم بازسازی ولایتی یا آیساف مشکل نداریم. آنها به همه مردم، به زنان، کودکان و بزرگان قریه نیز احترام دارند. آنها بر علاوه بسیاری کمک‌های دیگر، ما را در بازسازی مکاتب همکاری مینمایند. در اول برخی از مالاها مخالف کمک گروه‌های نظامی بودند، اما اکنون میتوانند ببینند چه کاری برای ما انجام داده شده است.

محصل، ولایت بامیان

از سوی دیگر بسیاری از شرکت کنندگان فکر می‌کردند که کمک از راه نظامی مردم و برنامه‌ها را آسیب پذیر می‌سازد. یک محصل از ولایت ننگرهار ابراز میدارد:

"از آنجاییکه طالبان عساکر خارجی را بد می‌بینند، هر آنچه که به وسیله‌ی آنها بازسازی یا اعمار گردیده - مانند پل، کلینیک یا مکتب - آتش می‌زنند یا ویران میکنند. بدین ترتیب ما زنان عمده ترین قربانیان مبارزه قدرت میان گروه‌های مختلف در افغانستان می‌باشیم."

در یک کشور مملو از افراد مسلح غیر قانونی، کمک‌ها میتوانند وسیله خوب برای پاسخگویی سو استفاده و تقویه حکومتداری خوب باشند.

بسیاری از مصاحبه‌شده‌گان تاثیر نظامی شدن کمک‌ها را بصورت مستقیم نه تنها با وخامت سریع وضعیت امنیت در افغانستان، بلکه با ترویج فساد نیز ارتباط دادند. یک محصل از ولایت ننگرهار در این مورد ابراز میدارد:

"فساد فزاینده و نا امنی رابطه مستقیم دارند. نظامیان قراردادهای را به شرکتها صادر میکنند. این شرکت‌ها همه پول را بدست می‌آورند و خدمات معیاری انجام نمیدهند."

⁹ <http://www.un.org/events/women/2002/sit.htm>

با وصف درک رابطه میان نا امنی، فساد و نظامی شدن کمکها، مصاحبه شدگان در این مورد انجام پروژه های کمکی به وسیله ی نظامیان سودمندی دارد یا خیر، اختلاف نظر داشتند. نقل مستقیم آتی از دو کارمند امور صحنی شرکت کننده بحث های گروهی در ولایت بامیان این حقیقت را بازتاب میدهد:

"ما یک شفاخانه و یک کلینیک داریم که به وسیله ی تیم بازسازی ساخته شده اند. آنها مردم را کمک کردند و دارای سلوک خوب اند. ما همچنان مقداری کمک از اردوی ملی داشتیم. آنها ادویه را به قریه ها (که دور افتاده اند) رسانیدند. ما از آنها خوشحالیم."

یک موضوع بزرگ مربوط به نظامی شدن کمکها این است که کمک به حیث دستیابی به اهداف نظامی به کاربرده میشود. عساکر بین المللی بحیث بخش متمم کمپاین تسخیر "قلوب و افکار" مردم محل و به حاشیه راندن شورشیان، پروژه هایی را در محلاتی به راه انداخته اند که در آن متمرکز اند. مصاحبه شدگانی که "قلوب و افکار" آنها در نتیجه این کمپاین تسخیر شده، بخصوص آنها یکی در مناطق بیشتر امن کشور زندگی میکنند از سودمندیهای کمک رسانی به وسیله ی نظامیان سخن میگویند. تبصره آتی بازتاب دهنده سودمندی هایی میباشد که باشندگان محلات در نتیجه دریافت کمک به وسیله ی نیروهای بین المللی تجربه نمودند:

"تیم بازسازی ولایتی [در ساحه ما] یک کلینیک مجانی دارد. ما برای دسترسی به خدمات صحنی نیاز به پرداخت پول نداریم." (محصل، ولایت بامیان)

معهدا، برخی از مصاحبه شوندگان درک میکردند که این نوع کمک بهای خود را نیز دارد.

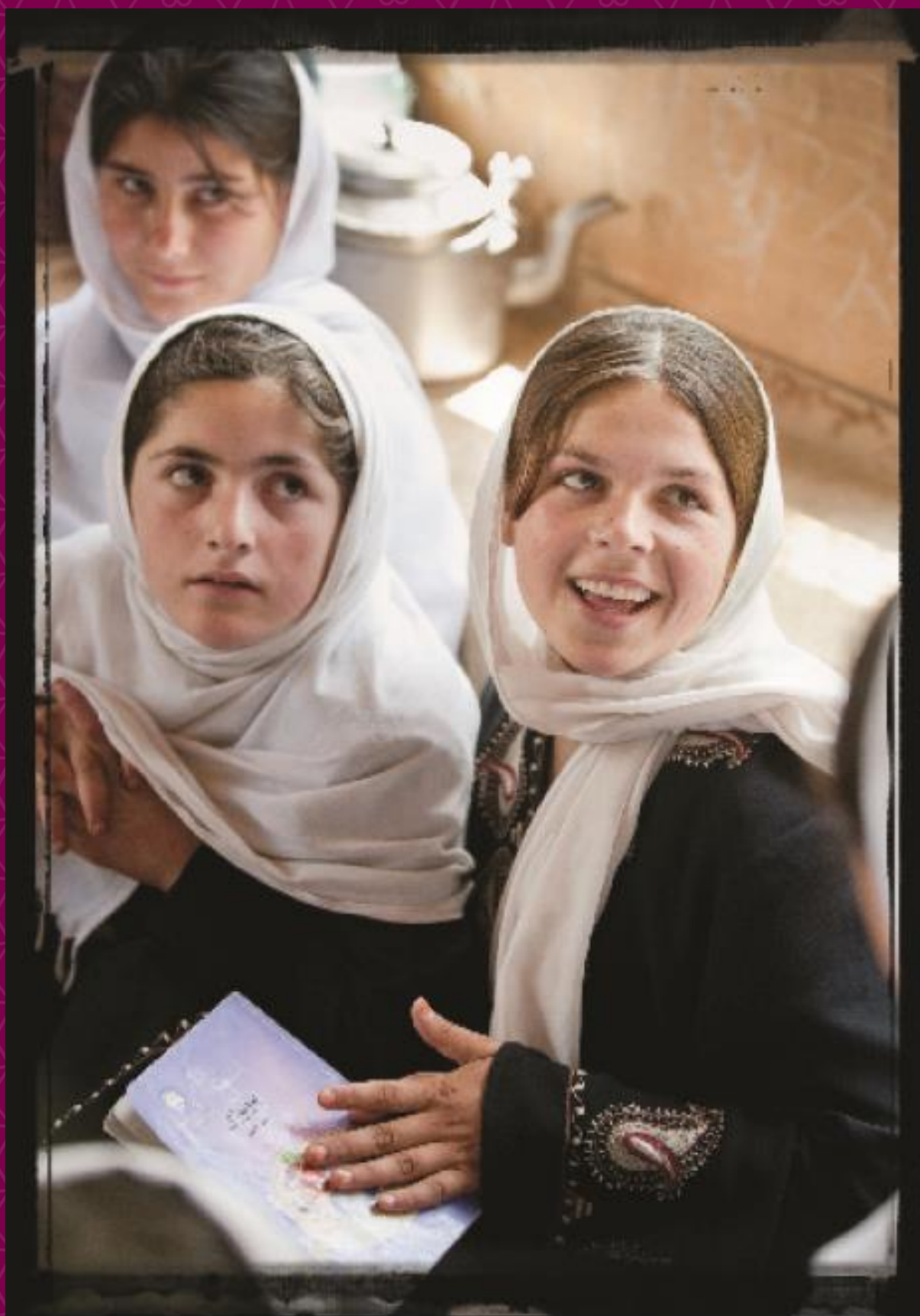
"افراد فقیر به منبع کمک فکر نمیکنند. مردم خرسند بودند اما شورشیان آنها را تهدید کردند که کمک عساکر خارجی را قبول نه نمایند و پس از آن آنها افراد فقیر را کمک نکردند."
معلمه، ولایت فاریاب

باید خاطر نشان ساخت که یک تعداد اقلیت کوچک از مصاحبه شوندگان احساس میکردند که نظامی شدن از راه حضور فزاینده افراد دارای یونیفورم امنیت بیشتر را فراهم مینماید. ابراز نظر یک کارمند موسسه غیر حکومتی در ولایت ننگرهار از این نوع دیدگاه میباشد:

"نظامی سازی به معنای تعداد بیشتر افسران پولیس و نیروهای امنیتی میباشد. این خیلی خوب است زیرا ما محافظت بهتر خواهیم داشت."

موضوع دیگری که در بحث های مختلف مطرح گردیدند عبارت از شکل عرضه کمکها میباشد- شرکت کنندگان نگرانی خود را ابراز داشتند که برنامه ها بر واقعیت های زندگی استوار نیستند و آن چنان دراز مدت نبوده که بتوانند موثر باشند. آنها همچنان بالای نیاز احساس مالکیت محلی تاکید داشتند. در حالیکه در مورد کاستی های نظامی شدن کمکها صحبت میشد، تعدادی از شرکت کنندگان ضرورت بر ملکی سازی کمکها جهت تطبیق موثر آنها تاکید ورزیدند. آنها خواستار مشارکت بیشتر افغانها در مراحل مختلف طرح پروژه ها، پلانگذاری و تحقق آنها بودند. واگذاری مالکیت پروژه ها به افغانها موجب خواهد شد که پروژه ها مطابق نیازمندیهای واقعی مردم طرح گردیده و کمکهاییکه برای آنها در نظر گرفته شده به آنها برسد. تعداد مختلف شرکت کنندگان بالای ضرورت مکانیزم های لازم در سطوح مختلف به منظور نظارت از پروژه ها در سراسر کشور تاکید ورزیدند.

برای دستیابی به تغییر پایدار مهم است تا کمک را با اولویتهای مردم همسان نموده و افغانها را نه تنها به هدف تامین پاسخگویی بلکه برای افزایش توانایی آنها نیز سهیم گردانیم.



منبع عکس: ایلین جسکول

یافته ها و سفارشات

یافته های کلیدی:

- برای موفقیت و پایداری، برنامه های انکشافی باید بوسیله ی مؤسسات افغانی به پیش برده شوند نه بوسیله ی مؤسسات خارجی. اما وجود طرزالعمل های پاسخگویی برای هر پروژه صرفنظر از گرداننده آن ضروری دانسته میشود.
- روحانیون بحیث فعالان تغییر محسوب گردیده و بدین ترتیب برای تغییر و تأمین تغییر نقش مهمی دارند. در یک جامعه ی عمیقاً بسته مانند افغانستان، روحانیون توانایی تاثیر گذاری بر شیوه زندگی مردم را دارا بوده و بدین ترتیب وسیله ی تغییر دانسته میشوند.
- نیاز ارتقای آگاهی کودکان در مورد موضوعات مهم بخصوص به هدف جلوگیری از خشونت، تصادم، معافیت و فقدان پاسخگویی نسبت به تخطی ها و استفاده ناجایز از دختران و زنان میباشد. نیاز به تربیت یک سلسله ارزشها به اطفال وجود دارد. ارزشها نیروی توازن بخش در مقابل علل ریشوی منازعه و اجندهای امنیتی حاکم دیده میشوند.
- نیاز مشارکت زنان در تمام امور اجتماعی و پروسه ی صلح میباشد.
- حکومتداری خوب هسته ای حل پایدار را میسازد. همه نهادهای عامه باید با مردم عام با احترام برخورد نموده و وظیفه آنها است تا مصوونیت، امنیت، ثبات و فرصتهای رشد را بدون در نظر داشت جنس و مذهب برای شهروندان فراهم نمایند.
- تقویت اردو و پولیس جهت تأمین امنیت بدون در نظر داشت محل اقامت. یک اردو و پولیس نیرومند و خدمتگار مردم میتوانند حاکمیت قانون را در میان مردم و مؤسسات خود تحقق بخشند.
- اعتماد سازی بین حکومت و مردم ضروری میباشد. طرزالعملهای نظارت و همچنان ایجاد میکانیسم راپوردهی

شکایات و نظریات به مردم احساس مالکیت برنامه ها را فراهم نموده و این به نوبه خود اعتماد میان مردم و حکومت را بوجود می آورد.

■ شیوه های سرمشق شدن رهبری باید بوجود آید. مبارزه بر علیه فساد تنها میتواند در صورتی پیروز گردد که رهبران به آن آلوده نباشد. بدون برطرف کردن رهبران آلوده به فساد هر نوع ابتکار و اهتمام بی نتیجه خواهد بود.

سفارشات پالیسی:

سفارشات برای جامعه ی بین المللی:

- زنان را در تمام مباحث و ابتکارات مربوط به پروسه های صلح و مصالحه سهیم نموده و مشارکت زنان (از حکومت و جامعه ی مدنی) را تسهیل ساخته و مشارکت آنها را در کنفرانسها و نشست های بین المللی در رابطه با آینده افغانستان تأمین نماید.
- حمایت مالی و فنی خویشرا به برنامه های افغانستان مشروط بر مشارکت با مفهوم زنان بخصوص در ولایات؛
- تعهد برای تأمین حقوق زنان بحیث عنصر غیر قابل معامله در مذاکرات بین المللی صلح و همچنان متعهد ساختن حکومت افغانستان به عین موضوع
- ادامه کمک به حکومت افغانستان جهت تحقق تعهدات آن به قوانین و پالیسی های برابری حقوق زن و مرد، مخصوصاً تقویت ارگانهای منع خشونت علیه زنان. حمایت متداوم برای ارتقای ظرفیت و کمک فنی به سکتورهای قضایی و امنیت در امر جلوگیری از خشونت و پاسخگو بودن بر عاملین استفاده نا جایز از زنان و دختران



خانم سکینه پیمان در جریان انجام یک مصاحبه

منبع عکس: هما صافی

- حکومت افغانستان باید تامین این امر را که "اجندای امنیتی" حاکمیت قانون و میکانیزم های پاسخگویی را نقض نمیکند؛
- فراهم آوری امنیت برای زنان در موقعیهای عامه و سیاسی در صورتیکه وظایف شان در معرض تهدید، آزار و خشونت قرار داشته باشد؛
- ادامه تطبیق تعهدات حکومت به پالیسی ها و قوانین جندر و مخصوصاً تقویت ارگانهای قانون منع خشونت علیه زنان؛
- گزارشدهی رسمی و منظم در رابطه با تطبیق قطعنامه 1325 شورای امنیت ملل متحد در مورد زنان، صلح و امنیت در کشور؛

سفارشات برای جامعه مدنی:

- مردان در جامعه ی مدنی افغانستان باید زنان افغان را در مبارزه شان برای حقوق اساسی حمایت نمایند. مهم این است که این بازیگران نباید مانع ایجاد تغییر گردند.
- زنان از سراسر افغانستان نیازمند اتحاد در این مبارزه اند. بنابر این ایجاد ارتباط میان زنان شهرها و دهات دارای اهمیت فوق العاده میباشد. جامعه ی مدنی نقش مهمی را در تامین این ارتباط ایفا مینماید.
- فاصله بزرگی میان حکومت و مردم وجود دارد. ضرورت است که جامعه ی مدنی بحیث پل ارتباطی میان این هر دو عمل نموده و مفاهمه میان آنها را تسهیل نماید؛

- تشویق، تمویل و ارتقای ظرفیت مؤسسات و سازمانهای افغانی که پیشرفت حقوق زنان و تقویت نقش آنان را نظارت و ارزیابی مینمایند.
- زنان افغان را حمایت نماید تا اجندای حقوق زن و تقویت نقش زنان را در افغانستان مخصوصاً در جریان انتقال، خود بر عهده گیرند؛
- حمایت متداوم بخصوص از برنامه های درازمدت که زنان افغان را تشویق و وارد حیات عامه و سیاسی میگرداند؛
- رابطه تداخل نظامی را با عرصه های بشردوستانه و انکشاف بشکنید. کمکهای انکشافی را از طریق ساختارهای غیر نظامی، شفاف و پاسخگو انجام دهید؛
- برنامه هایی را مورد حمایت قرار دهید که مردان و پسران را به حقوق زنان و دختران علاقمند میسازد.

سفارشات به حکومت افغانستان:

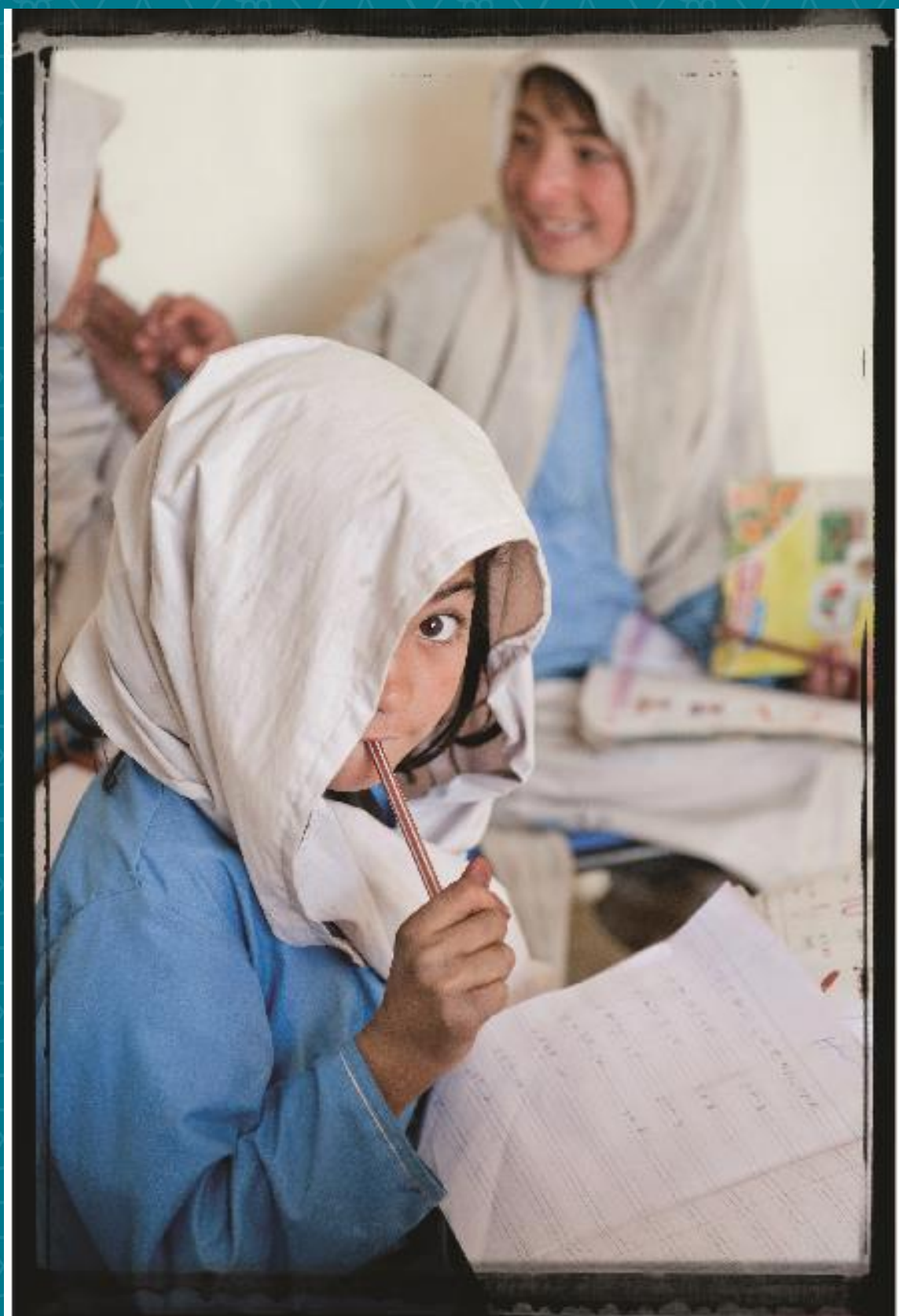
- حکومت افغانستان باید مشارکت با مفهوم و کامل زنان را در مذاکرات و تصمیمگیری های مربوط به صلح، ادغام مجدد و مصالحه در سطوح مختلف محلی، ملی و بین المللی مطابق شرایط قانون اساسی تضمین و حمایت نماید؛
- حکومت باید از طرح و تصویب قوانین و پالیسی هایی که با قانون اساسی کشور و تعهدات و مکلفیتهای بین المللی مربوط به حقوق زنان در تناقض میباشد، اجتناب نماید.
- حکومت افغانستان متعهد بر حقوق زنان بیث عنصری معامله ناپذیر مذاکرات و پالیسی های صلح باشد؛



اعضای شبکه ی منطقوی زنان در جریان جلسه ی
هیئت رهبری در کابل، افغانستان اپریل ۲۰۱۳
منبع عکس: کلپنا بیسواس

- جامعه ی مدنی افغانستان باید یک نمونه ی از شفافیت و پاسخگویی باشد. جامعه ی مدنی میتواند مبارزه علیه فساد را از طریق طرح و تطبیق معیارهای مختلف برای شفافیت و پاسخگویی رهبری نماید؛
- جامعه ی مدنی باید برنامه های خویشرا هماهنگ نموده و در همکاری فعالیت نمایند. همکاری جامعه ی مدنی میتواند موجب ایجاد یک جبهه خیلی نیرومند گردیده و به مبارزه با دشواریها و تغییر وضع کنونی کمک نماید؛
- جامعه ی مدنی نباید تنها بالای حکومت انتقاد نماید بلکه با ارائه پیشنهادات سازنده برای بهبود طرح و تطبیق برنامه های مختلف نیز اقدام نماید؛

- زنان پیشآهنگ باید بحیث سرمشق نه تنها در عرصه حقوق زن بلکه بحیث نمونه ای زندگی مسلکی نیز برجسته گردند. مثالهای زنان به حیث مدیر، دکتور، دانشمند و ... تبلیغ گردند؛
- طرح و تطبیق برنامه های ارتقای ظرفیت برای زنان نه تنها در عرصه برابری حقوق، بلکه در عرصه های دیگر که مختص به مردان اند مانند اقتصاد، امنیت و قضا خیلی ضروری میباشد؛
- دادخواهی برای برنامه های دراز مدت به جای پروژه های کوتاه مدت کوچک که فاقد تاثیر قابل ملاحظه اند جهت به ارمغان آوردن تاثیر نیرومند و تغییر مشهود ضرورت است. در بسیاری موارد برنامه هاییکه برای بیش از دو سال داشتند از پروژه های کوتاه مدت موثرتر بوده اند؛



منبع عکس: ایلین جسکول

نتیجه گیری

زمانیکه جامعه ی بین المللی برنامه ی خروج نظامیان خود را از افغانستان رویدست گیرد و مسوولیت های امنیتی را به نیروی های افغان بسپارد ، خیلی مهم است که حقوق زنان بخش غیر قابل معامله ی پروسه انتقال باشد. پس از یک دهه سرمایه گذاری در ابتکاراتی که موقف زنان را از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تقویت کرده، حکومت و جامعه ی بین المللی باید این اطمینان را ایجاد نمایند که این پیشرفتهای مصوون باقی مانده و حمایت میگردند.



پروژه های مختلف را مؤثر ساخته و موجب تغییر در زندگی آنها و سایر افراد در محلات زیست گردند.

آنچه متفقانه بازتاب داده شده این است که در مرحله ی انتقال زنان باید بصورت مستقیم در تمام مذاکرات در رابطه با آینده افغانستان دخیل ساخته شوند. بر علاوه کمکها برای تقویت زنان باید دراز مدت باشد، ضمناً چنین موارد باید از نیازمندیهای محلی ریشه گرفته تا بتواند بیشتر مؤثر و شفاف واقع گردد.

هدف گزارش این بود تا به ملیونها زن افغان و صدای آنها که سکوت، فشار نا امنی متداوم را تحمل میکنند، پیرامون تاثیرات نا امنی، فساد و نظامی شدن کمکها بر زندگی روز مره ی شان گوش داده شود. هدف این گزارش دو جهت بود: اول وسیله ی تحکیم ارتباط میان زنان افغان و باقی جهان و بازتاب نگرانی هایی زنان افغان در مورد مسایلی که بصورت عمومی زنده گی شانرا متأثر میسازد .

اعضای شبکه ی منطقوی زنان امیدوار است این مجموعه دیدگاه های زنان بحیث انگیزه ای برای سایر سازمانهای مصروف خدمت برای افغانان برای بلند بردن سطح آگاهی و دادخواهی متداوم آنها به هدف ایجاد تغییر معنا دار در پالیسی های عامه و در نهایت بهبود زندگی زنان، از راه دستیابی زنان به مشارکت مساویانه در جامعه ی افغانی، کمک نماید.

نتیجه ی صحبتها با زنان ولایات مختلف این موضوع صراحت یافت که بسیاری از آنها پیشرفتهای حاصله در یک دهه ی گذشته را درک و تقدیر مینمایند، آنها همچنان نگرانی شان را در این رابطه ابراز داشتند که کار بیشتر برای پیشرفت جامعه ی افغانی بخصوص حقوق زنان نیاز است. هراس ناشی از خروج کامل نیروهای بین المللی و هراس از این احتمال که قدرت به شورشیان و جنگسالاران واگذار گردد میان زنان وجود دارد.

زنان افغان به این نظر بودند که در صورت تامین فضای امن و مصوون پیشرفت در کشور سرعت خواهد گرفت. آنها خود را با نیروهای امنیتی قدرتمند و با ظرفیت، که حملات گروپهای مسلح غیر قانونی را دفع میتوانند، بیشتر در امن احساس مینمایند . آنها با صراحت با گروپهای مسلح غیر قانونی که جامعه را به جای تامین امنیت نظامی میسازند مخالفت داشتند.

معمولاً چنین فکر میشود که فساد زندگی زنان را متأثر نمیسازد زیرا بیشتر آنها در منزل به سر میبرند. اما زنان در بحث های گروپی و مصاحبه های انجام شده ابراز نمودند که چگونه فساد بصورت مستقیم زندگی روزانه آنها را آسیب پذیر ساخته و در کارهای مستقیم و غیر مستقیم با حکومت یا دستگاه آن، زنان از فساد متأثر میگردند. زنان همچنان در این مورد صحبت کردند که چگونه شفافیت و پاسخگویی در کمک رسانی ها میتواند

ضمایم

I. سوالنامه ها

سوالهای مباحثات گروپ فوکس / محور:

امنیت:

- درک شما از امنیت چیست؟ چقدر خود را در امن احساس میکنید؟
- آیا پس از مذاکرات جاری صلح خود را بیشتر در امن احساس میکنید؟ ورنه، چه موجب میگردد خود را نا امن احساس کنید؟
- خود را در امن احساس کردن برای زنان/دختران به چه معنا است؟
- کدام دسته از زنان و دختران بیشتر آسیب پذیر اند؟
- در کجا خود را بیشتر در امن احساس مینمایید؟
- تاثیر یک محیط نا امن بالای زندگی زنان و دختران چیست؟
- چه نوع استراتیژی ها را مردم، بخصوص زنان برای مجادله با نا امنی ها انکشاف داده اند تا خود را در امنیت بهتر قرار دهند؟
- آیا عضوی از فامیل شما در سه سال گذشته از خشونت متاثر گردیده، چگونه وی (زن یا مرد) متاثر گردیده و نتیجه آن چه بود؟

فساد:

- فساد را شما چگونه تعریف مینمایید؟ لطفاً یک تعریف مفصل بدهید.
- فساد به نظر شما چقدر مروج و معمول است؟ چه نوع صورت میگیرد؟
- چه فکر میکنید که فساد در کجا بیشتر است در ولایات در مرکز و یا در سطح بین المللی؟
- آیا فساد سیستمیک/ ساختاری است؟ چرا به نظر شما اینقدر فساد وجود دارد؟
- آیا فساد در ساحات نا امن بیشتر است ؟
- آیا جامعه و حکومت به تناسب 5-10 سال گذشته بیشتر فاسد شده؟ چرا؟
- آیا فساد بالای دختران/زنان تاثیر متفاوت دارد؟ آیا زنده گی در یک جامعه فاسد برای زنان بیشتر مشکل است؟ آیا زنان (مقامات / رهبران) کمتر فاسد اند؟
- آیا شما کدام استراتیژی برای کاهش فساد دارید یا میشناسید؟ آیا زنان میتوانند نقشی را در کنترل فساد ایفا کنند؟
- مثالهایی را از مواردی بیان کنید که مجبور گردیدید رشوه بپردازید. چه وقت این کار صورت گرفت و چه مقدار رشوه پرداختید؟ شرایط چه بود و نتیجه چه بود؟

نظامی سازی:

- به نظر شما نظامی شدن یعنی چه؟
- نظامی شدنهایی را که مواجه شدید به شمول: حضور گسترده ی افراد مسلح؛ نقض حقوق بشر به وسیله ی نظامیان و بزرگداشت از قهرمانان نظامی؟
- زنان و دختران چگونه بوسیله ی نظامی شدن متاثر شده اند؟
- برای مجادله با نظامی شدن و اثرات آن، مردم بخصوص زنان چه استراتیژی را اتخاذ کرده اند؟
- تاثیر نظامی شدن بر امنیت و فساد چیست؟ آیا شما رابطه ای میان آنها مبینید؟
- آیا فکر میکنید که میان نظامی شدن، نا امنی و فساد رابطه ای وجود دارد؟

نقض حقوق بشر و دسترسی به عدالت:

- آیا شما یا فرد دیگری را که می‌شناسید در نتیجه نظامی شدن کمکها و یا فساد نقض حقوق بشری را تجربه کرده باشد؟ نقضها چه بودند؟
- آیا شما چنین نقضها را گزارش داده اید؟ چه اقداماتی در آن رابطه اتخاذ گردیدند؟ چه راه های برای برخورد با این نقضها ها وجود داشتند؟

سوالهای مصاحبه ها با اهل خبره:

برنامه های جاری:

- لطفاً توضیح دهید که سازمان شما و یا شخص شما چه تلاشهایی را برای حمایت از زنان در بخشهای صلح و امنیت، مبارزه با فساد و نظامی شدن کمکها در افغانستان یا بیرون از کشور انجام داده اید؟ به چه اقدامات مشخص در این رابطه تا کنون متوسل شده اید؟
- چه چیزی موجب گردیده که شما یا سازمان شما به صلح و امنیت زنان توجه نمایید؟ (تقاضای کمک از جانب حکومت، جامعه ی مدنی، هدف سازمانی توجه به زنان، صلح و امنیت، وغيره؟)
- بر کدام نوع فعاليتها شما تمرکز دارید (تحقیق، دادخواهی، بلند بردن سطح آگاهی و یا آموزش)؟

افکار عمومی:

- لطفاً چالشهایی را فهرست نمایید که زنان در رابطه با صلح و امنیت، نظامی شدن کمکها و فساد با آنها روبرو اند؟ اینها چگونه زندگی روزمره ی زنان را متاثر میسازند؟

برنامه ها برای آینده:

- برای حل چالشهایی که شما در فوق نامبردید چه نوع مداخله ضروری است؟
- آیا شما با پروسه های صلح و انتقال آشنایی دارید؟ به نظر شما چه نقشی این برنامه ها بر زندگی زنان داشته اند؟
- چه اقدامات یا برنامه هایی را شما جهت تشویق اشتراک زنان و دختران محصل در پروسه ی صلح پیشنهاد مینمایید؟ لطفاً در مورد برنامه و نحوه ی تطبیق آن تفصیل ارایه نمایید.

II. لیست گزارش ها:

- ۱ - فقط یک صلح؟ مشروعیت جنگ برای زنان افغانستان، اکشن اید، ۲۰۱۱
- ۲ - یک جای در میز. تامین حقوق زنان در افغانستان، مقاله خلاصه اکسفارم ۲۰۱۱
- ۳ - افغانستان در ۲۰۱۱ یک سروی مردم افغانستان، ایشیا فونديشن ۲۰۱۱
- ۴ - افغانستان در پروسه انتقال: نگاهی به دورتر از ۲۰۱۴، جلد ۱: نگاهی، بانک جهانی ۲۰۱۲
- ۵ - زنان افغان بعد از رژیم طالبان: تاریخ خودش تکرار خواهد شد؟ موسسه دموکراسی و حقوق بشر افغانستان ۲۰۱۲
- ۶ - چالشهای مناسب غیر مرعی، درک امنیت زنان افغانستان، مقاله دفاعی بنیاد هنرچ بول، ۲۰۱۲
- ۷ - پلان ملی برای زنان افغانستان، یگانه وسیله دولت برای تطبیق پالیسی ها و تعهدات بلند رشد دادن ظرفیت زنان ۲۰۰۷ - ۲۰۱۷
- ۸ - سازمان ملل SCR ۱۳۲۵ تطبیق در افغانستان، شبکه زنان افغان، ۲۰۱۱
- ۹ - زنان و پروسه انتقال در افغانستان، شرح پالیسی کیپر انترنشنل، ۲۰۱۲

شبکه ی منطقوی زنان که در سال 2011 تأسیس گردیده، مشتمل از یک گروهی زنان جامعه ی مدنی افغانستان، پاکستان و هندوستان میباشد که یکجا در جهت تقویت حقوق زنان و امنیت کار می نمایند. شبکه ی منطقوی زنان با چنین دیدگاهی به فعالیت آغاز نموده که زن ها باید با تشریک مساعی در داخل کشور و فراتر از مرز ها در جهت تأمین و تعمیم حقوق بشر، انکشاف متداوم و سهمگیری زنان در اعمار صلح، کار و فعالیت نمایند. در این مقطع زمانی، اعضای شبکه سه موضوع مهم یعنی امنیت، نظامی شدن کمک ها و فساد را به مثابه ی موضوعاتی که در اولویت قرار دارد، شناسایی نموده اند.

کمک های خیریه میتواند به آدرس ذیل ارسال گردد:

شبکه منطقوی زنان

مرکز غیر انتفاعی کولوریدو

The Colorado Non-Profit Development Center, 789
Sherman Street, Suite 250 Denver Colorado, U.S.A. 80203
www.womensregionalnetwork.org : معاونت آنلاین

برای معلومات بیشتر

ایمیل: infowrn@gmail.com

فیس بوک: www.facebook.com/womensregionalnetwork@WRNnews

ویب سایت: www.womensregionalnetwork.org



WOMEN'S REGIONAL NETWORK
AFGHANISTAN • PAKISTAN • INDIA